






در این شماره می خوانیم:

- جای خالی هویت ملی در مدارس 
- تکرار تاریخ در امپراطوری ایران 
- سیگار فروشی که قهرمان شد! 
- کارورزی مقدمه‌ای برای آغاز معلمی 
- نوبل معلمی این بار از جنس عشق 

ماهنامه فرهنگی، سیاسی و اجتماعی
پروژه

قلم

۳۸
دانشگاه فرهنگیان | سال نهم
آذر ۱۴۰۰ | شماره سی و هشتم



شناسنامه نشریه

نشریه فرهنگی، سیاسی و اجتماعی قلم
سال نهم، شماره ۳۸، پاییز ۱۴۰۰

صاحب امتیاز: بسیج دانشجویی دانشگاه فرهنگیان آذربایجان شرقی

مدیر مسئول: علیرضا خدایی

سردبیران: فائزه ایمانی، زهرا خلفی

دبیران واحد فرهنگی- اجتماعی: وجیهه گوزلی، حسین محمودی

دبیر واحد سیاسی: علی قناتی

دبیر واحد گردشگری: مهدیه باقری اقدم

دبیران واحد تعلیم و تربیت: فاطمه موید، نازیلا مظلوم

دبیر واحد صنفی- دانشجویی: میرعلی نقی زاده

دبیر واحد علمی: نگار رشیدی

دبیران واحد فناوری- تکنولوژی: معصومه تقی زاده، محمد امین غالبی

ویراستاران: محدثه شاکر، سینا علیزاده

رسانه: رقیه جمالی، مریم شیری، فاطمه فخرایی اقدم، هادی

محمدی، فاطمه ایمانی، فائزه ایمانی، فرزانه ایمانی

مدیر اجرایی: علیرضا ابوالفتحی

روابط عمومی و فضای مجازی: مریم آتش سفیدی، معصومه محمدپور

گرافیک و صفحه آرا: جواد فتاحی الکوهی

کاریکاتور است: علیرضا ابوالفتحی، محمدرضا خیری

عکاس: علی تازی، زهرا فرهی

هیئت تحریریه:

دکتر نوریه انصارین، مریم آتش سفیدی، رقیه احمدی، مهدیه باقری

اقدم، زهرا توحیدفام، مهدی جعفری، علیرضا ذلقی، نگار رشیدی

علی سمندری، محمدمبین صفایی، علی عزتی، محمدمبین غالبی

فاطمه فخرایی اقدم، علی قناتی، مهدی کاظمی، وجیهه گوزلی، زهرا

مبادرثانی، آیدا محمدی، نازنین محمدی، حسین محمودی، نازیلا

مظلوم، فاطمه مؤید، فاطمه نجاری، افشین نصیبی، میرعلی نقی

زاده، فاطمه ایمانی، فائزه ایمانی

فهرست مطالب

- ۳ سخن سردبیر
- ۴ عاطفه زینبی
- ۵ دانشجوی نفرین شده!
- ۶ جای خالی هویت ملی در مدارس!
- ۸ آموزش ظراحی سایت (قسمت اول)
- ۹ جادوی کنترل اشیاء با مغز انسان
- ۱۰ تکرار تاریخ در امپراطوری ایران
- ۱۳ حق شغل
- ۱۴ مصاحبه
- ۱۶ کارورزی مقدمه ای برای آغاز معلمی
- ۱۸ یلدانه
- ۱۹ تنهای عریان
- ۲۰ بازی با کودکان ممنوع!
- ۲۱ سلب مستبدانه آزادی زنان با خشونت
- ۲۲ شغل معلمی؛ سپید و سیاه در یک قاب
- ۲۳ یک فنجان قهوه
- ۲۴ تخمه های آفتاب گردان را دور نریزید
- ۲۵ HIV یا کرونا
- ۲۶ نوبل معلمی این بار از جنس عشق
- ۲۷ نومعلم سلام
- ۲۸ قلعه کرشاهی یا قلعه دزد ها؟!
- ۲۹ مراسمات مذهبی آران و بیدگل
- ۳۰ مچ پیری ایران از ابر قدرت پوشالی جهان
- ۳۱ کتابدار
- ۳۲ ایران کجاست؟
- ۳۳ توییت
- ۳۴ سودوکو/ تضاد سیاه و سفید
- ۳۵ کاریکاتور

کانال های مجازی نشریه:



برای دسترسی به لینکها
در نسخه الکترونیکی، بر روی
آیکونها کلیک کنید



سخن سردبیر

با یاد خدا؛ در ابتدا متن و کلام زینت بدهم به نام آن خالق تام

در کتاب‌های کودکی دریاها و آسمان‌ها را آبی دیده بودیم. جنگل‌ها را سرسبز، مردمان را مهربان و همدل... بزرگ‌تر که شدیم آسمان هم همراه ما هرروز تیره‌تر شد. ماشین‌ها تعدادشان بیشتر شد. جمعیت زیادتر شد، نام سیاهی آسمان را گذاشتند آلودگی و برای آبی شدن دوباره‌اش هیچ کاری نکردند؛ اما چند وقتی است که آسمان آبی است!

فاضلاب صنعتی کارخانه‌ها درون دریاها و دریاچه‌ها سرازیر شد. دریا‌های آبی را گرفتند و مرداب‌هایی تحویل‌مان دادند و برای آبی شدن هیچ کاری نکردند؛ اما چند وقتی است که دریاها آبی است. درجایی به نام جنگل، تپه‌هایی با گیاهان کوتاه و کم‌رمق نشانمان دادند. صدای اره‌ها و تبرها را شنیدیم؛ دود حاصل از سوختن تنه‌های درختان را نظاره کردیم؛ ولی بازهم برای سرسبز شدن دوباره‌اش هیچ کاری نکردند! اما چند وقتی است که اره‌ها و تبرها تنه‌ی هیچ درختی را لمس نکرده‌اند.

کاسب‌ها اجناسشان را دو برابر فروختند و صدای ناله‌ی افشار ضعیف و دردکشیده را نشنیدند. کم کم دنیا جایی برای نابود کردن طبیعت و دیگران می‌شود؛ به خاطر زیاده‌خواهی‌های موجودی به نام انسان... ناگهان...

ویروسی در گوشه‌ای از دنیا خودش را به معرض نمایش می‌گذارد. می‌کشد، می‌کشد و می‌کشد...

ترس را در جان مردم می‌اندازد.

ابرقدرت‌ها با ثروت و تجهیزات نظامیشان حرفی برای گفتن ندارند؛ جهان در بهتی عمیق فرو می‌رود! ماشین‌ها از حرکت می‌ایستند. صدای اره برقی دیگر به گوش نمی‌رسد. کارخانه‌ها تعطیل می‌شود. کاسب‌ها خانه‌نشین می‌شوند؛ و اما ورق برمی‌گردد... جهادی‌ها در صحنه حاضر می‌شوند.

پزشکان و پرستاران کادر درمان از زندگی و خانواده‌هایشان می‌گذرند تا به انسانیت کمک کنند. هرکسی در حد توان خود در میدان مبارزه قدم بر می‌دارد. توجه مردم به خداوند معطوف می‌شود و باز هم برای رد شدن از این بحران دست به دامان او می‌شوند. به مرگ فکر می‌کنند و به معنای زندگی...

به راه درست زیستن...

انگار ترس از دست دادن جان، انسان را آدم بهتری می‌کند!

طبق روال همیشگی قلم، از شما مخاطبان گران‌قدر نشریه فرهنگی، سیاسی اجتماعی قلم دعوت می‌نمایم، با نظرات و انتقادات و پیشنهادات خودتان، ما را در راستای صدای شما بودن یاری نمایید؛ و همچنین از تمام فرهیختگانی که ما را در تهیه و نشر این نسخه از نشریه همراهی کردند؛ کمال قدردانی و تقدیر را به عمل می‌آوریم. در پناه حق.



برای شنیدن نسخه صوتی

سخن سردبیر بار کد را

لمس یا اسکن کنید



عاطفه زینبی



برای شنیدن نسخه صوتی عاطفه زینبی

بار کد را لمس یا اسکن کنید

چادر پر غصه ی او بوی مادر می دهد
 کیست این بانو که نطقش بوی حیدر می دهد
 اُسکتوا گفت و تمام شهر ساکت گشت تا
 دخت حیدر تکیه بر بالای منبر می دهد
 خطبه های آتشینش ذوالفقار حیدرست
 او قیام کربلا را شور دیگر می دهد
 جان فدای نهضت حق حسینش می کند
 زندگی اش پنجهایی بر تو چون زر می دهد
 در طریق عاشقی لازم شود سر می دهد
 خط سرخ کربلا را پاسداری می کند
 باده نوشان بلا را جام و ساغر می دهد
 جان خود بخشیده در راه حسینش این گهر
 بر طریق عشق و ایمان نور و گوهر می دهد
 صبر در حیرت ز صبر اسوه صبر و شرف
 سیره و رفتار او بر صبر باور می دهد
 اوست ای «درویش» زینب، کوه صبر و معرفت

مهدی جعفری



دانشجوی نفرین شده!

اینک رسیدیم به ۱۶ آذر، روز دانشجو؛ روزی که همگی ز معلم و دانش آموز می شویم دانشجو!

نیستم... ولی عاشق خوردن چیپس... و همیشه در آرزوی
بیستم... هرچند دانشجوی درس خوانی نیستم... ولی برای گرفتن
نمره جلوی اتاق استاد نمی ایستم...

پروردگارا... به چه امیدی می توان سر کلاس نشست؟... از آنجاکه
استاد نمی کند گذشت... و چنان کاری می کند که نمره ام بماند
هشت...

پروردگارا... خواهان بازگشایی دانشگاهم... خواهان گشت و گذار
با دوستانم... ولی خواهان مجازی ماندن امتحاناتم...

خدایا... به خوردن غذاهای دانشگاه راضی... و آرزومند دوستان
و شب نشینی و بازی... فقط برسان آن روز را که دیگر بسی هستم
شاکلی

ای خالق خودکار بیک... سوگند به کتاب سیف کمیک... و فرمول
اسیدسولفوریک... که از دانشگاه بسیار دل تنگم... و در کلاس
درس همیشه منگم... و در انتراکت بسیار گنگم...

دانشجویی سحرخیزم... صبح زود ساعت یک ظهر از خواب
برمی خیزم... شنبه تا چهارشنبه از کلاس می گریزم... هنگام
پرسش درس سریع از خواب برمی خیزم... و با گفتن میکروفون
ندارم دوباره به سمت خوابی دراز می خیزیم...

ای آفریننده ای استاد یارو خالق پرگار... اگرچه نزد استاد انسانی
خفیفم... ولی خارج از کلاس کسی نیست حریفم...

ای خدای عزیزم... بیزارم از درس سه واحدی سخت و تیزم... ولی
عاشق قبولی با نیرنگ و تزویرم...

ای خدای عزیزم... میدانی که من کیستم... فرد شکمویی



برای شنیدن نسخه صوتی دانشجوی
نفرین شده بار کد را لمس یا اسکن کنید



جای خالی هویت ملی در مدارس!

هویتی که متأسفانه در بسیاری از مدارس ایران نادیده گرفته می‌شود...

فرهنگی حماسی و قومی یک ملت است که به آن می‌بالند و افتخار می‌کنند.

مؤلفه‌ها و نمادهای هویت ملی در کشورمان ایران بسیار زیاد است که برای نمونه می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

- مراسم‌ها و آداب و رسوم (اعیاد، جشن‌ها، مراسم عزا و عروسی و ...)
- لباس‌ها (لباس اقوام، لباس اقلیت‌ها، لباس قشرهای خاص مانند زنان و روحانیون)
- غذاها (انواع کباب‌ها، خورشیدها، آش‌ها و ...)
- خصوصیت اخلاقی (احترام به بزرگ‌ترها، خونگرمی، مهمان‌نوازی و ...)
- امور مذهبی (نذر، وقف، عاشورا و ...)
- هنر ملی (موسیقی سنتی، خوشنویسی، معماری ایرانی-اسلامی، صنایع دستی، قلم‌زنی، خاتم‌کاری و ...)
- مشاهیر و بزرگان ادبی، علمی، سیاسی و نظامی
- مکان‌های تاریخی (تخت جمشید، میدان نقش جهان، ارگ علیشاه و ...)
- اساطیر ایرانی (رستم، سهراب، سیمرغ و ...)
- ادبیات ملی (شاهنامه، بوستان، گلستان، لغت‌نامه دهخدا و ...)
- تقویم رسمی-سرود ملی-پرچم ملی

شاید عنوان مطلب برای شما به‌عنوان مخاطب تعجب برانگیز باشد و بگویید این چه عنوانی است؛ مگر ما همواره شاهد برگزاری مراسم‌های ملی در مدارس نبوده‌ایم؟ مگر نمادهای ملی در مدارس وجود ندارد؟ مگر کتاب‌های درسی مملو از موضوعات ملی نیستند؟

به نظر می‌رسد لازم باشد ابتدا سؤالی را مطرح کنم و توضیحاتی ارائه دهم تا تدریجاً به جواب پرسش‌های فوق برسیم:

آیا داشتن سرمایه‌های عظیم انسانی به تنهایی می‌تواند عامل پیشرفت یک جامعه گردد؟ قطعاً پاسخ شما منفی است؛ زیرا همان‌طور که وجود سرمایه‌های عظیم مادی همچون ذخایر انرژی، معادن غنی فلزات، سنگ‌های گران‌بها و زمین‌های حاصلخیز تضمینی برای پیشرفت جوامع نیستند؛ سرمایه‌های انسانی نیز از این قاعده مستثنی نمی‌باشند؛ چرا که یکی از عوامل مهمی که می‌تواند باعث حفظ این سرمایه گردد، ایجاد و تقویت احساس و وابستگی عاطفی و تعلق خاطر افراد به سرزمین مادری خویش است که از آن به‌عنوان «هویت ملی» یاد می‌شود.

«هویت ملی» باید به نحوی در وجود آحاد جامعه ریشه بدواند که از جان و دل برای پیشرفت و سربلندی ملک و مملکت تلاش و کوشش نمایند. هویت ملی به‌عنوان یکی از انواع هویت و شاید مهم‌ترین آن‌هاست که شامل «مجموعه ویژگی‌ها، وابستگی‌ها و پیوندهای جغرافیایی، تاریخی،



آیا واقعاً دانش آموزان همراه معلمان خود هر صبح سرود ملی را خوانده و به پرچم ملی ادای احترام می‌کنند؟ به احتمال زیاد تعداد پاسخ‌های مثبت انگشت‌شمار خواهد بود. همین پرسش‌ها را در کشورهای پیشرفته و توسعه‌یافته هم می‌توان پرسید و مقایسه کرد. اگر ما مدرسه را به عنوان نماینده‌ی نهاد تعلیم و تربیت بدانیم و بر اهمیت وجود برنامه‌ی درسی پنهان و آموزش غیرمستقیم واقف باشیم، قطعاً با توضیحات فوق دیگر از عنوان مطلب متعجب نخواهیم شد.

آری، آموزش مستقیم و برنامه‌ی درسی آشکار در مدارس ما به وفور مؤلفه‌های هویت ملی را ارائه می‌دهد اما تأثیر آموزش غیرمستقیم، در قالب رفتار و اقدامات عملی مسئولین مدرسه (به خصوص معلمان) و نمادهای بصری (مانند پرچم ملی، تصاویر و تندیس‌ها) و نیز معرفی اختصاصی بزرگان و مشاهیر در قالب بزرگداشت‌ها و مسابقات کتابخوانی دانش آموزان غیرقابل انکار است و تأثیرش در مقایسه با تأثیر آموزش مستقیم، بسیار زیاد می‌باشد.

به دنبال پرسش و پاسخ و توضیحات فوق می‌خواهم پرنده‌ی خیالتان را به پرواز درآورم و بر سر در یک مدرسه نشانم؛ اولین تصویری که در قاب چشمان شما خودنمایی می‌کند چیست؟ بله نام مدرسه است. معمولاً نام مدارس برگرفته از نام مشاهیر و بزرگان است؛ ابوعلی سینا، رازی، خیام، فردوسی، امام خمینی، شهید بهشتی، شهید مطهری، شهید چمران، پروین اعتصامی، دهخدا، شهید فهمیده و سایر شهدا. بعد از این اسامی چشم‌ها بر پرچم‌های روی دیوار و داخل حیاط مدرسه می‌افتد و کم‌کم وارد فضای مدرسه می‌شود. حال اگر پرنده‌ی خیال شما هم همراه من وارد مدرسه شده چند سؤال مطرح می‌کنم: آیا تندیس و یا تصویری از صاحب نام مدرسه در حیاط، سالن و کلاس‌ها می‌بینید؟ تابلو یا نوشته‌ای از زندگی نامه‌اش چگونه؟ پرچم‌ها چه وضعیتی دارند؟ سالم، تمیز، اتو کشیده‌اند یا رنگ و رو رفته و پاره و چروک؟ آیا تصاویری از هنرها و اماکن ملی و معرفی آن‌ها بر دیوارها وجود دارد؟



آموزش طراحی سایت (قسمت اول)

امروزه همان طور که می دانید سایت ها نقش مهمی را در زندگی امروز ما دارند. از خواندن اخبار گرفته تا خرید اینترنتی و حتی مشاهده فیلم های مختلف و هزاران مورد دیگر، همگی نمونه ای از کاربرد وب سایت ها در زندگی ما هستند؛ اما تا حالا از خودتان پرسیده اید که این وب سایت ها چگونه ساخته می شوند و چگونه کار می کنند؟ احتمالاً تا حالا شنیده اید که برای طراحی سایت، کد نویسی انجام می شود؛ اما آیا به این فکر کردید که شما هم یاد بگیرید و سایت خودتان را داشته باشید؟ خب ما در این شماره و شماره های بعدی از نشریه قلم به این موضوع می پردازیم. امیدوارم که آموزش ما را دنبال کنید و خودتان بتوانید برای خودتان سایت مورد نظرتان را طراحی کنید.

به طور کلی هر محتوایی که در یک مرورگر وب (موزیلا، اینترنت اکسپلور، گوگل کروم و ...) نمایش داده می شود، یک صفحه وب است. به مجموعه صفحات وب، یک وب سایت گفته می شود. وب سایت ها به طور کلی به دو دسته تقسیم بندی می شوند. وب سایت هایی که فقط می توانند محتوایی را به کاربران نمایش دهند که به این نوع وب سایت ها، وب سایت ایستا یا استاتیک می گوئیم. در واقع در این نوع وب سایت ها هیچ تعاملی با کاربر ندارد و کاربر فقط می تواند از محتوایی که نمایش داده شده است، استفاده کند. نوع دوم وب سایت ها، وب سایت هایی هستند که امکان تعامل با کاربر را دارند. در واقع این نوع وب سایت ها می توانند اطلاعاتی را از کاربر گرفته و آن را پردازش کند و به آن پاسخ دهد. به این نوع وب سایت ها، دینامیک یا پویا می گوئیم؛ مثلاً وقتی کاربر اطلاعات خود برای ثبت نام در وب سایت وارد می کند، وب سایت اطلاعات او را پردازش کرده و اطلاعات کاربر را در دیتابیس یا پایگاه داده ذخیره می کند. موضوع بعدی این است که ساختار یک صفحه وب از دو بخش تشکیل شده است. یکی بخش ظاهری صفحه وب است که به اصطلاح به آن فرانت اند گفته می شود و بخش دیگر آن که در واقع استخوان بندی صفحه می باشد، در اصطلاح بک اند گفته می شود. در واقع فرانت اند چیزی است که کاربر می تواند آن را مشاهده کند؛ اما بک اند پشت پرده اجرا می شود و برای کاربر قابل رؤیت نیست. ما در این آموزش زبان های برنامه نویسی با ما همراه باشید.

محمد امین غالبی



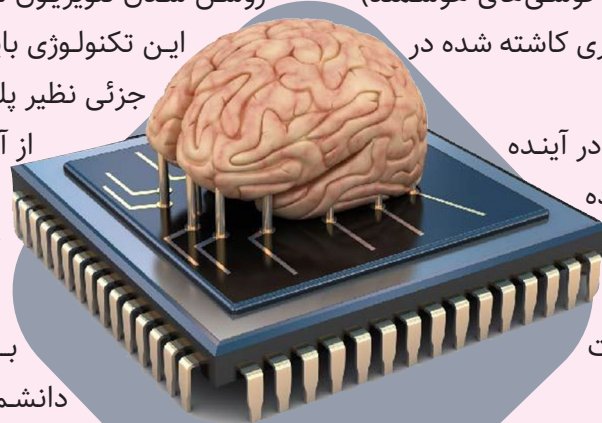
جادوی کنترل اشیاء با مغز انسان!

آیدامحمدی



چنین چیزی را شاهد خواهیم بود؛ دین اسلام، یک پروفیسور در رشته برق و مهندسی کامپیوتر، سیستمی را اختراع کرده که به شما اجازه می‌دهد با استفاده از ذهن خود دستگاه‌های موردعلاقه‌تان را کنترل کنید. این تکنولوژی به دستگاه نوار مغز شباهت دارد؛ سنسورها به صورت مستقیم بر روی سر قرار گرفته و موج‌های مغزی را ثبت می‌کنند و سپس این اطلاعات را به یک کامپیوتر که سنسورهای مخصوص خودش را دارد، ارسال می‌کنند. پس از اینکه کامپیوتر این اطلاعات را دریافت کرد، به سایر دستگاه‌های الکترونیکی از قبل برنامه‌ریزی شده دستور می‌دهد تا واکنش نشان دهند. بدین ترتیب امواج مغز شما می‌توانند باعث روشن شدن تلویزیون شوند. برای کنترل کردن موارد مختلف، این تکنولوژی باید به اندازه‌ای پیشرفت کند که حرکات جزئی نظیر پلک زدن را نیز تشخیص دهد.

از آن زمان که انسان به فکر اختراع چرخ افتاد تا امروز که به پیشرفته‌ترین تکنولوژی‌ها مانند کنترل اشیاء با مغز خود می‌اندیشد، مغز انسان همواره خود را با اتفاقات پیرامون سازگار کرده است. دانشمندان مطمئن هستند که مغز انسان با هر اتفاق جدید دیگری هم سازگار می‌شود و باید منتظر ماند و دید این تراشه‌های جدید چگونه نحوه تعامل ما با دنیای پیرامون را عوض می‌کنند.



همه‌ی ما در داستان‌های علمی-تخیلی و فیلم‌های سینمایی در مورد کنترل وسایل توسط مغز انسان مطالبی را خوانده و مشاهده کرده‌ایم. امروزه علم تا حدی پیشرفت کرده است که دقت بازخوانی داده‌ها از مغز افزایش پیدا کرده و تقریباً این عمل به واقعیت پیوسته است. با این تصورات یک آینده‌ی متفاوت در انتظار انسان خواهد بود و جهان با این تکنولوژی و پیشرفت چهره‌ی جدیدی به خود خواهد گرفت.

ایلان ماسک بر این باور است که طی یک دهه پیش رو، بشر خواهد توانست به کرات دیگر سفر کند، اتومبیل‌هایی را سوار شود که به راننده نیاز ندارند و درصد آلاینده‌ی آن‌ها صفر است و برای همیشه دستگاه‌های الکترونیکی (مانند گوشی‌های هوشمند) را کنار بگذارد و در عوض از رابط‌های کاربری کاشته شده در مغز خود استفاده کند.

دانشمندان شرکت نورولینک امیدوارند در آینده پرتوهای لیزری را به گونه‌ای مورد استفاده قرار دهند که بتواند از مجموعه‌ی انسان عبور کند تا به جای ایجاد حفره روی جمجمه، سیستم الکترونیکی به صورت بی‌سیم با مغز انسان ارتباط برقرار کند. چه اتفاقی می‌افتاد اگر لوازم خانگی با ذهن ما تعامل داشتند؟ شاید این موضوع شمارا به یاد فیلم‌های علمی تخیلی بیاندازد، اما شخصی معتقد است در آینده

امروزه با پیشرفت علم دانشمندان به فکر ایجاد پرتوهایی هستند که بتواند از مغز انسان عبور کند و با تجزیه و تحلیل اطلاعات با صادر کردن دستور لوازم خانگی هوشمند داخل خانه را با مغز کنترل کرد.

تکرار تاریخ در امپراطوری ایران

تاریخی که با انقلاب ۴۳ سال پیش تکرار شد...

علی قناتی



می‌کرد، آری هدف بزرگی در کار بود. شاید از ذهن دور باشد اما نقشه را که نگاه می‌کنیم تنها جایی که گربه‌ای با دو چشمش به شما زل زده است، همان جایی است که شیر بچه‌هایش دنیا را به تماشا وامی‌دارند، دنیا را به حضور خدا در قلب‌هایشان متقاعد می‌سازند حتی اگر آن‌ها این را نپذیرند اما خوب می‌دانند تا نام عمار یاسر در ذهن و قلب شیرمردان باشد سخت می‌توان سر به سر این گربه‌ی نشسته گذاشت.

به هدف برگردیم هدفی که آن قدر قوی بود و حساب‌شده، هر تفاله قدیمی و حساب‌شده را بیرون می‌ریخت و با جرئت هرچه تمام‌تر می‌گویم بیرون می‌ریزد. بنام دست‌پرتوانی را که طوری حریم این مرز و بوم را حفظ کرده است تا قدم مبارک صاحبش حتی بر روی زمینش هم گذاشته نشود چراکه چشم‌های بسیاری، زیر پای او داوطلبانه و عاشقانه می‌رود.

وقت آن است تا آن‌چنان بی‌پروا سخن بگویم که از خواندن مطلب لذت ببرید؛ همان‌هایی که روزی داد می‌زدند که آمریکا و دخترشان را به زامبی‌های خون‌خوار منافقین به‌عنوان همسر دوم اهدا کردند؛ مگر کدام عقل احمقی می‌پذیرد کسی که هم فساد اخلاقی دارد و هم جنایت می‌کند و هم معلوم نیست چه بلاهایی ممکن است بر سر مردم بیاورد دخترش را به‌عنوان همسر دوم هدیه دهد؛ پست فطری یعنی چه؟ رذالت را به چه می‌توان معنی کرد، کسی که می‌توانست قهرمان ملی باشد خود را به کمتر از

این بار نه می‌خواهم تحلیلی بنویسم نه از اعداد و ارقام استفاده کنم و یا موضوعی را دقیق موردنقد قرار دهم. این بار می‌خواهم بدانم قضیه چه شد که به اینجا رسیدیم؟ دقیقاً چرا و در کجای این کره خاکی پر از حاشیه و هیاهو قرار گرفته‌ایم؟ مسئول این واقعیت کیست و آینده چه خواهد شد؟ درگذشته چه بر سرمان آمد و آیا این‌ها مقصری داشت؟

برای جواب دادن به پرسش‌های بالا باید به ۴۱ سال قبل برگردیم، صفحه‌های این کتاب را ورق بزنیم و به جایی برسیم که فریادی با محتوای آزادی سر داده شد. یک آزادی که رنگ و بوی دیگری داشت، از جنس مخملی نبود، فریادهای کمونیستی نداشت، اثری از مارکسیست را در خود جای نمی‌داد و با مبانی انقلاب صنعتی بیگانه بود همه دنیا مخالفش بودند اما اصل کاری را داشت. همان چاشنی که موجب شد انفجاری رخ دهد، انفجاری که از جنس نور و بیداری بود؛ برای یک آزادی ناب که بوی هیچ اسارتی را نمی‌داد و از دست‌های کثیف گرداننده خبری نبود چراکه انگشت‌به‌دهان بودند و می‌خواستند جلوی این حرکت را بگیرند اما مگر می‌شود جلوی خدا ایستاد؟! عقلی ناقص تکه‌های پازل را کنار هم چید، تکه‌هایی از جنس اسارت، تبعید، شکنجه، کشتار و دست به دامن کدخد شدن تا در برابر این انقلاب بایستد، اما در این طرف عقلی سلیم و روحی عاشق پازرش را چید؛ صبر، جسارت، بردباری، اراده، شهامت و خودکفایی همان‌هایی بود که لازمه‌ی بیدار شدن مردم بود و بغض‌هایی که گلویشان را در حال خفه کردن بود به جان کسانی بیافتد که از خیلی وقت پیش خواب بودند.

شد آنچه می‌گفتند امکان ندارد بشود نه شوروی، نه شرق و نه غرب. هیچ حامی بزرگی وجود نداشت جز خداوند که جریانی را که هدف والاتری را دنبال می‌کرد را هدایت می‌کرد. هدفی به وسعت یک تاریخ، هدفی که ایران ۲۵۰۰ سال پیش را احیا می‌کرد هدفی که کلانتر منطقه را به صاحب منطقه تبدیل می‌کرد، هدفی که پادشاهی بدبخت را به یک امپراطوری که روی پای خودش استوار باشد تبدیل می‌کرد و به آن هدفی که برخی‌ها فقط حرفش را می‌زدند و نمایشش را اجرا می‌کردند جامعه عمل پوشاند، احیای امپراطوری که بر بیش از ۶۵ درصد این کره خاکی حکومت



که همه چیز تقصیر تحریم‌ها است، تحریم‌ها برود همه چیز خوب می‌شود؛ اما تا جایی که یادم می‌آید سخنان پدر ملت بوی خودکفایی و عزت می‌داد؛ همان کسی است که پیشرفت را دوری از آمریکا می‌دید نه در خانه نشستن امثال جنابتان! البته بازهم از شما توقعی نیست چراکه بزرگ‌ترتان هم همین است، همان عزیزی را می‌گویم که کتاب تاریخ را برای مردم ورق می‌زد و می‌گفت یادتان هست چه وضعی داشتیم، دلار را حبابی نگه داشتیم و از همه خوب بودیم؛ بله آقای دکتر که البته واژه دکتر را کمی با شک می‌گویم، یادمان هست که با دلار چیکار کردید، چگونه حقوق مردم را زیر پا له کردید، چگونه عزت و شرف ملتی را به باد دادید، با بنزین چه ها کردید و یادمان هست نان را هم در سر سفره مردم زیاد دیدید؛ اما از شما هم انتظاری نیست چراکه شما کل افتخاراتان نهایت این باشد که فرشی به یک اجنبی بدهید و یا در مراسم تولد پیرزن خرافاتی شرکت کنید.

بماند به یادگار، وقتی که به کلاس درس وارد شدم در درس تاریخ؛ تاریخ معاصر را به دانش آموزان یاد خواهم داد تا همان سربازان در گهواره بازهم تربیت شوند. ولی از این جهت از شما هیچ انتظاری نمی‌رود و شیختان هم زیاد در قد و قواره این اهداف و صحبت‌ها نبود، چون شیخ شما همچون حسنی بود؛ با این تفاوت که حسنی حداقل جمعه‌ها مدرسه می‌رفت اما این عزیز دل حتی جمعه‌ها هم خواب بود!

طوری که باید خبری می‌شد تا بیدارش می‌کردند! کلاً این عزیز کمی انرژی‌اش کم بود که صبح جمعه می‌فهمید قضیه چیست (البته بهتان برنخورد)! تف سربالایی بیش نبود اما همانند روز برایم روشن است در زمان سیل به قشم سفر کنی و در زمان زلزله در کیش باشی، شک نکنید این خنده‌ها با گریه‌های عجیبی

پشیز فروخت؛ این فروختن علاوه بر اینکه سودی نداشت بلکه بسیار هم مضر بود، طوری که مردم خودشان انتخابشان را دور انداختند، تفاله را هم باید دور ریخت؛ او از جنس گذشته بود همان‌هایی که در آن زمان ارتش را منحل می‌کردند در دانشگاه دیوار می‌کشیدند، اعدامی‌ها را از سر در نماز جمعه آویزان می‌کردند، کسانی که می‌نوشتند بعد از شاه نوبت آمریکا است، کسانی که پو نیز در پیشانی دختران می‌کشیدند؛ حالا روشنفکر شدند! بگویید دقیقاً چه شد؟! دقیقاً چه اتفاقی افتاد که یهو آمریکا از آخ شد به‌به؟! انگار لقمه چربی را به شما نشان دادند که نه از طمع بلکه از روی بوی آن خود را باخته به باد فنا دادید؛ البته هیچ افراطی از تفریط نیست چراکه ذات فرد قابل تغییر نیست، اما مسئله این است که راه عوض نمی‌شود بلکه شما عوضی‌تر از دیروز می‌شوید! مبادا ناراحت شوید و فکر کنید کسانی را می‌گویم که با رذالت کامل به خاطر کاسه‌لیسی سگ‌صفتشان بازار ارز و طلا را به افتضاح کشیدند، آخر این دنیا را هم از دست دادید مشکل این است که مرگ هم برای شما نوید خیر خوشی نیست؛ بلکه عقوبتی سخت را برای شما آماده کرده‌اند طوری که بارها آرزو خواهید کرد ای‌کاش زنده می‌شدیم و ما را زندانی می‌کردند.

مگر شما نمی‌گفتید که شما نمی‌توانید و بلد نیستید با دنیا حرف بزنید، زبان مذاکره بلد نیستید اصلاً قبول، ما زبان حرف زدن نداریم اما هرچه نباشد چشم و سواد خواندن داریم؛ آن قدر عزت و شرف داریم که در برابر شترسواری بی‌سواد و بدبخت نباشیم و در برابر گاو صد من شیرده زانو نزنیم. حداقل خوب میدانیم یک سند بین‌الملل باید واو به واوش خوانده شود؛ البته که از شما انتظاری نمی‌رود شما که تقصیری ندارید همه تقصیرها گردن مجلس و رهبری است؛ آن‌ها بودند که هرروز داد می‌زدند آمریکا حلال مشکلات است، هرروز می‌گفتند

پاسخ داده خواهد شد، چون آن کس که اسب داشت غبارش فرونشست، گرد سم خر های شما نیز بگذرد؛ هر کاری هم کنید این گندم ری در گلویتان همانند استخوان تیز ماهی آن چنان گیر خواهد کرد که خون بالا بیاورید. همانند بزرگتان هرروز نقشه می کشید و هرروز طرح می داد. همان کسی که آبرو و اعتبار کشور را خرج مشتی اجنبی بی مقدار کرد؛ دریغ که اجل امانش نداد چراکه روز محاکمه برای همه مشخص است انگار خدادوست داشت خودش شخصاً تسویه حساب کند. شما هم دعا کنید که به سرنوشت برخی دچار نشوید چراکه بهتر است بخشی از حق و حسابتان در همین دنیا تسویه شود.

اما میدانید چیست از شما هم انتظاری نبود! چراکه کسی که عاشقش بودید و فکر می کردید ارزش علف هرزی هم برایتان می گذارد و کلاً در وادی های دیگری سیر می کند. راحت بگویم ساقی کار درست کاخ سفید استعفا داده است. این استعفا عجیب و غریب آبرو از کاخ سفید برده است؛ اما میدانید چیست اصلاً همه این ها را کنار بگذاریم حتماً سؤالتان این است که قضیه امپراطوری چه شد یا اینکه اصلاً این قضیه چرندی بیش نیست؟ در پاسخ اتفاقاً این قضیه بسیار قدرت گرفته است بسیار قوی تر از قبل ادامه داده می شود. اکنون ایران دیگر همانند ۵۰ سال پیش، نگهبان منافع گاوچران های آمریکایی نیست؛ بلکه خود بر منطقه مسلط است مثال می زنم تا ببینی ایران در آذربایجان هست (جنگ

آذربایجان و ارمنستان)، در عراق (اخراج آمریکا) در یمن هست (مستأصل ماندن گاو شیرده صعودی) در لبنان، فلسطین، لیبی، مصر، سودان و سوریه هم هست؛ اما این ها هدف نیست؛ یادمان نمی رود سردار چه گفت: «از چیزی که فکر می کنید به شما نزدیک تریم» ایران در ونزوئلا، دریای کارائیب، تنگه جبل الطارق، کانال سوئز، اقیانوس اطلس، کوبا و شیلی هم هست. زمانی مخفی بود اما حالا آشکارا بیخ گوشتان هستیم. حال بگویید ببینیم شما کجا هستید؟ ما همان هستیم که

امینت کشتی مان تا ۱۰ ها هزار کیلومتر که هیچ تا خود مقصد هم توسط خودمان تأمین می شود. حال کسانی هم بخواهند همانند مگس در گوش این گربه وزوز کنند حالشان بدجور گرفته می شود. یادتان میاید می گفتید آمریکا بمب هایی دارد که اگر بزند همه ما نابود می شویم. قابل توجهتان تا اراده کند که بمبی بی اندازد یا موشکی شلیک بکند از تمام رمزها نه بلکه از تمام دنیا به سمتش حمله ور می شویم.

این را به دنیا و دانش آموزانم می گویم: نقشه حکومت کوروش کبیر را با نقشه کنونی حکومت جمهوری اسلامی ایرانی مقایسه کنید و مبنای تمدن سازی را در عمل

مشاهده کنید که سیاست حکومت بر دنیا از شیطان پرستان منزوی زیرزمینی به مریدان و دلاوران علی که مردانه پای تمام کمال و خواسته های خدا می ایستند می رسد و ببینید که چگونه دست خدا بازهم در کار است. هیچ اراده فراتر از اراده خالق اراده نیست، هیچ دستی بالاتر از خالق دست نیست و این حکومت که کل هدفش این است دنیا را برای قدوم مبارک همانی آماده کند که مادر گیتی بسیار صبر کرد و پدر فلک پیر شد تا کسی را به جهان بیاورد که هر دو به فدایش شوند. پس فکر سقوط و سرنگونی را از فکرتان بیرون کنید چون که خدا تمام قد پشت کسانی ایستاده که از هیچ یک از داشته هایشان درراه دردانه شان دریغ نمی دارند. براندازی که هیچ مگر می شود موتور روشن شیعه را خاموش کرد،

یکه تازی ذوالجناح را گرفت، خطبه های فلک را نشنید، سخنرانی خانم زینب را نشنید، ذوالفقار را کنار گذاشت و مگر می شود سلطان ایران ساکن خراسان رانیدید. بدانید و آگاه باشد این گربه حالا از دنیا به شما نگاه می کند. این را هم بدانید زمان تغییر کرده است حالا هر جا بروید قبل از شما آنجا هستیم و سربازانتان گریه کنان به سمت رئیس جمهور خواب آلوی مؤدبتان برمی گردند. بماند به یادگار که شما و نوجه های داخلی و خارجی تان هیچ غلطی نمی توانید بکنند.

**حکومت جمهوری اسلامی
امروزه روی پای خود
ایستاده و در منطقه برای
خود امپراطوری تشکیل
داده است. امپراطوری که
تا آن سر دنیا پیش روی کرده
است به طوری که به جرئت
می توان گفت شعاره ۴۰ سال
پیش (آمریکا هیچ غلطی
نمی تواند) تحقق پیدا
کرده است**

حق شغل

نحوه محاسبه حق شغل فرهنگیان در احکام کارگزینی

میرعلی نقی زاده



۱- طبق تبصره ۳ ماده ۶۵ قانون مدیریت خدمات کشوری، امتیاز طبقه مشاغل آموزشی تمام وقت وزارت آموزش و پرورش و بهداشتی و درمانی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی در جدول یا جداول حق شغل با ضریب (۱/۱) محاسبه می‌گردد. (۱۰ درصد بیشتر از امتیازات مرقوم در جدول)

۲- بر اساس افزایش امتیازات فصل دهم قانون مدیریت خدمات کشوری تا ۵۰ درصد، امتیازات حق شغل و شاغل در اسفند ماه ۱۳۹۸ با ۵۰ درصد افزایش نسبت به جدول زیر محاسبه می‌شوند. به عنوان مثال حق شغل همکار فرهنگی که حائز رتبه ارشد و طبقه ۸ می‌باشد و به صورت تمام وقت به امر آموزش مشغول است به صورت زیر محاسبه می‌شود: عدد به دست آمده از جدول: ۴۴۰۰

$$۴۸۴۰ = ۱۰\% + ۴۴۰۰$$

$$۷۲۶۰ = ۵۰\% + ۴۸۴۰$$

همان‌گونه که محاسبه گردید در حکم کارگزینی همکار فوق، عدد ۷۲۶۰ بایستی به عنوان امتیاز حاصل از حق شغل درج شود. مبلغ حق شغل نیز از ضرب این عدد در ضریب ریالی هر سال که توسط هیئت وزیران در ابتدای هر سال تعیین می‌شود به دست می‌آید.

تمامی فرهنگیان حتماً تا به حال در حکم کارگزینی خود با بندهای متفاوتی روبرو شده‌اند و ممکن است نحوه محاسبه و یا حتی مفهوم برخی از آن‌ها را ندانند. به همین دلیل تصمیم گرفتیم تا به توضیح برخی از بندهایی که همواره با آن‌ها سروکار داریم، بپردازیم. در این شماره از نشریه می‌خواهیم به توضیح بند حق شغل فرهنگیان و نحوه محاسبه آن بپردازیم.

حق شغل فرهنگیان، ماده ۶۵ قانون مدیریت خدمات کشوری است و جزو حقوق ثابت فرهنگیان و اولین بندی است که در احکام کارگزینی فرهنگیان به چشم می‌خورد. برای محاسبه مقدار امتیاز و مبلغ حق شغل بایستی از جدول حق شغل استفاده کرد. همان‌طور که مشاهده می‌کنید جدول حق شغل فرهنگیان از دو پارامتر طبقه و رتبه تشکیل شده است که با استفاده از هر رتبه و طبقه، امتیازی به معلم تعلق می‌گیرد. امتیاز تعلق یافته بر هرکدام از فرهنگیان، بر اساس افزایش رتبه و طبقه ممکن است افزایش‌هایی داشته باشد. طبقه و رتبه‌ای که هرکدام از فرهنگیان در حال حاضر کسب کرده‌اند نیز در احکام کارگزینی ایشان نوشته شده است.

اما نکته حائز اهمیت در محاسبه امتیاز حق شغل فرهنگیان بر اساس جدول ذیل وجود دارد:

مقدماتی	پایه	ارشد	خبره	عالی
1	2400	2650	-	-
2	2600	2850	-	-
3	2800	3050	-	-
4	3000	3250	4050	4600
5	3200	3450	4250	4800
6	3400	3650	4450	5000
7	3600	3850	4650	5200
8	3800	4050	4850	5400
9	4000	4250	5050	5600
10	4200	4450	5250	5800
11	4400	4650	5450	6000
12	4600	4850	5650	6200
13	4800	5050	5850	6400
14	5000	5250	6050	6600
15	5200	5450	6250	6800
16	5400	5650	6450	7000

مصاحبه

سیگار فروشی که قهرمان شد!

اسمش را بعضی‌ها شنیده‌اند و بعضی‌ها نه! همان قهرمان جهان در رشته دومیدانی که همین اواخر در مسابقات جهانی ۲۰۲۱ ناشنوایان جهان در لهستان به مدال طلا دست یافت. مدتی است که همه رسانه‌ها به دنبال مصاحبه با این قهرمان بودند و خبر بساط سیگار این مدال‌آور بزرگ، تیتراژ رسانه‌ها و روزنامه شده بود. ما نیز بر آن شدیم با این مرد شریف چند کلمه‌ای هم صحبت شویم. (لازم به ذکر است که به علت ناشنوا بودن این قهرمان، خواهرزاده وی پل ارتباطی ما و ایشان بود)

آقای پیرآیفرچمن، لطفاً پس از معرفی خودتان، توضیح اجمالی

در رابطه با قهرمانی‌ها و مدال‌آوری‌های خود بفرمایید.

بنده سجاد پیرآیفرچمن، متولد سال ۱۳۷۲، ۲۸ سال دارم و هنوز مجرد هستم و در خانه پدری خود در منطقه «ساری زمی» زندگی می‌کنم. از سال ۱۳۸۴ ورزش را به صورت حرفه‌ای آغاز کردم. اولین مدال طلای پارالمپیک خودم را در سال ۲۰۱۲ و آخرینش را هم دو ماه پیش در لهستان کسب کردم. رشته اصلی‌ام پرتاب دیسک و پرتاب وزنه است که در کنار آن دومیدانی را هم به صورت حرفه‌ای دنبال می‌کنم. تا به حال در مجموع، ۷ مدال جهانی

نگاررشدی



و صدها مدال کشوری در این دو رشته به دست آورده‌ام. هر قهرمانی و کسب مدال برای خودش یک خاطره شیرین است. از این که پرچم کشورم را در مسابقات جهانی و آسیایی بالا می‌برم، خوشحال می‌شوم.

چرا رشته دومیدانی و پرتاب دیسک را انتخاب کردید؟ آیا مزیتی برای

شما داشت یا مهارتی در این زمینه‌ها داشتید؟

بازوهای قوی و قدرت بدنی که داشتم، احساس می‌کردم مرا در این راه همراهی خواهد کرد؛ و همین به من قوت قلب داد که در این رشته‌ها شروع به کار حرفه‌ای کنم و نهایتاً هم به اردوی تیم ملی دعوت شدم. اول برای پرتاب دیسک و وزنه و مدتی پس از آن هم برای دومیدانی به تیم ملی دعوت شدم. در سال ۲۰۱۷ (۱۳۹۶) هم به عنوان نامزد بهترین ورزشکاران در دسته ناشنوایان برگزیده شدم.

شما به غیر از حضور در تیم ملی پارالمپیک، شغل دیگری نیز

دارید؟

تا قبل از آبان ماه ۱۴۰۰، شغل دیگری نداشتم و هزینه تمرین‌هایم نیز بر عهده پدرم بود و من هم پس از تمرین‌هایم، هر روز به کمک پدرم در بساط سیگارفروشی می‌رفتم و با فروختن سیگار، زندگی خود را می‌گذراندم و به همین خاطر هم نتوانستم ازدواج کنم! ولی شکر خدا الآن به لطف مسئولین، در سازمان شهرداری شهر تبریز مشغول به کار هستم و این کار به من قوت خواهد داد که بیشتر و قوی‌تر از قبل، تا روزی که توان در بدن داشته باشم، برای کشورم افتخار آفرینی خواهم کرد.



رشته‌های ناشنوایان به پارا المپیک پاریس نیز اضافه شود تا بتوانم در آنجا هم برای میهنم افتخار کسب کنم.

صحبت پایانی یا اگر حرفی با مسئولین یا مخاطبان نشریه ما دارید بفرمایید.

همیشه به پدر و مادر خود احترام کنید و آن‌ها را تنها نگذارید؛ عصای دستشان باشید. آن‌ها به شما احتیاج دارند. پدر من ۳۳ سال است که در اینجا سیگارفروشی می‌کند و من از وقتی که یادم می‌آید، هر وقت از مدرسه درمی‌آمدم؛ قبل از رفتن به خانه به پدر سر می‌زدم و کمکش می‌کردم. من به پدرم و پدرم هم به من افتخار می‌کند!

به نظر شما چه کمبودهایی در اردوهای تیم ملی و پارا المپیک دیده می‌شود؟

ما ورزشکارها برای سربلندی میهنمان هر کاری می‌کنیم و برایمان هم مهم نیست که این کار با چه سختی‌هایی انجام بگیرد؛ ولی باز هم اگر مسئولان بتوانند بعضی از نقص‌های موجود یا برخی کم‌کاری‌ها را برطرف کنند، همه چیز بی‌نقص می‌شود.

برای آینده کاری در حوزه خودتان چه اهداف و برنامه‌هایی دارید؟

سطح حریفان در آسیا نسبت به گذشته بهتر شده است و جدی‌ترین رقبای من از ژاپن هستند. من هم تمام تلاش خودم را به کار می‌گیرم که از این به بعد با آمادگی هرچه تمام‌تر در رقابت‌ها حضور پیدا کنم و ان‌شاءالله با کسب مدال‌های بیشتر، بتوانم دل ملت ایران را شاد کنم. امیدوارم



کارورزی مقدمه‌ای برای آغاز معلمی

زهرا توحیدفام



دوره کارورزی دانشجو معلمان در سامانه شاد کافی است؟ چالش‌های برگزاری کارورزی برای معلمان سال آینده. تربیت معلمان توانمند با ارائه الگو مناسب در قالب طرح کارورزی.

سال تحصیلی جدید با کمال ناباوری به صورت مجازی آغاز شد. دانشجو معلمان بلا تکلیف نگران دوره کارورزی خویش هستند و آن‌گونه که اخبار و گزارش‌ها نشان می‌دهد، در این مدت نه دانشجو معلمی سر کلاس رفته است و نه مسئول و مقامی در دانشگاه فرهنگیان در مورد عواقب و خسارات ناشی از تعطیلی کلاس‌ها حرفی زده است.

کارورزی یکی از ارکان مهم تربیت معلم است که نقش بسزایی در تربیت معلمان متبحر و متخصص دارد. از ترم پنجم، برنامه کارورزی دانشجو معلمان دوره کارشناسی شروع می‌شود. کارورزی متشکل از مراحل مشاهده، اقدام پژوهی و در نهایت تدریس است. دانشجو معلمان در هفته ساعت‌هایی را به عنوان کارورزی در کنار تحصیل، در مدارس حضور می‌یابند. کارورزی فصل سبز مشارکت دانشگاه فرهنگیان با آموزش و پرورش است که اکنون به فصل خزان تبدیل شده! با وجود تمام این حرف‌ها معتقدم تعامل دانشگاه و آموزش و پرورش باید در بهترین حالت خود باشد و به تعامل تهاوتر تبدیل شود. پژوهش‌های فراوانی با هدف اثربخشی دوره کارورزی بر میزان انگیزش شغلی و خودکارآمدی دانشجو معلمان دانشگاه فرهنگیان انجام شده که با اندکی مطالعه در این زمینه متوجه میزان اهمیت این دوره‌ها خواهید شد. دوره‌هایی که دانشگاه فرهنگیان با دو رسالت مهم تربیت معلم و بهسازی نیروی انسانی آموزش و پرورش را بر عهده دارد. هم‌اکنون یک میلیون معلم داریم که باید اطلاعاتشان بروز و توانمندی‌شان افزایش یابد که دانشگاه فرهنگیان می‌تواند در این زمینه نقش آفرینی کند. دانشجو معلمان از طریق کارورزی می‌توانند معلمی را فرابگیرند و در کنار تحصیل در کلاس درس، در کنار یک معلم باتجربه مشغول به کار شوند.

و اما پرسش اصلی این است که آیا برنامه کارورزی، به عنوان قلب فعالیت‌های دانشگاه فرهنگیان فرصت‌ها و فعالیت‌های خوب و ویژه‌ای را برای تربیت معلمانی فکور، کارآمد، توانمند و پیشرو در آموزش و پرورش فراهم نموده است؟

کارورزی‌های همه دوره‌ها طی این دو سال کرونایی در بستر نه‌چندان مطلوب کرونایی شاد برگزار شد؛ عدم حضور در کلاس

درس حقیقی، عدم مشاهده تعامل مؤثر و ارتباط معلم و دانش‌آموز و شیوه مدیریت، کلاس کارورزی را به منفعلانه‌ترین حالت ممکن تبدیل کرد. تعطیلی طولانی مدت دانشگاه، دوری دانشجویان از فضای تدریس و گفتگو و ارائه مخصوصاً دانشجویان مناطق خاص زبانی باعث شده، علاوه بر نداشتن بار علمی مناسب این حرفه، در زمینه قدرت بیان و فن سخنوری دچار مشکل شوند و یکی از مهم‌ترین

فعالیت‌های معلمی یعنی اعتماد به

نفس لازم و قدرت نسبی برای

اداره کلاس بدون

اضطراب را به

دست نیاورند.

نخستین روزی که

دانشجو معلم وارد

مدرسه می‌شود بسیار

حساس است و برخورد

مدیر مدرسه و سایر معلمان

می‌تواند وی را به کار علاقه‌مند

یا بیزار کند؛ بنابراین بایستی مدیران

مدارس که دانشجو معلمان را به عنوان

کارورز می‌پذیرند، جلسه توجیهی گذاشته

می‌شد و در خصوص میزان حساسیت

این موضوع با آن‌ها صحبت می‌شد که در

کمال تأسف بسیاری از مدیران مدارس عالی

شهرها، از کارورزی و اقدامات لازم کوچک‌ترین

اطلاعاتی نداشتند. علاوه بر مدیران ناآگاه، معلمانی

هم بودند که از اساس کارورزی بی‌اطلاع بودند. کارورزی یک که اساس

آن مشاهده است، به جای تدریس مؤثر و آموزش نکات مهم برای

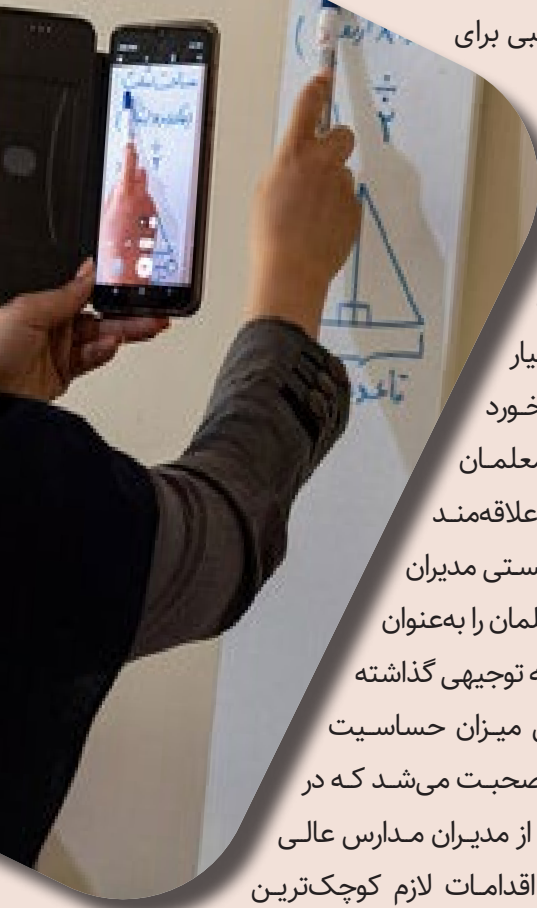
این نوکاران، دانشجو معلمان را دستیارانی رایگان جهت تصحیح اوراق

دانش‌آموزان می‌پندارند.

عدم اختصاص بهترین مدارس شهر از لحاظ بار علمی و معلمان

جوان نمونه شهری که به شیوه‌های نوین تدریس امروزی آشنایی

کافی دارند، باعث شده کارورزی این دانشجویان در جوار معلمانی



به پرورش و مهارت‌های حل مسئله نخواهد شد و مانند بیشتر امور صرفاً به انجام یک بخشنامه و تکلیف اداری و تکمیل کردن پرونده پرسنلی برای دانشجو معلمان منجر خواهد شد، به‌ویژه در زمان تعطیلی مدارس و دانشگاه‌ها که آموزش مجازی بیشتر به یک رفع تکلیف مبدل می‌شود.

نسل آینده معلمانی خواهد داشت که قادر به حل و تحلیل چالش‌ها و بحران‌های نظام آموزشی خواهد بود و برخلاف نسل‌های پیشین رویکردی کنش‌گرا، مطالبه‌محور و شجاعانه نسبت به مسائل نخواهد داشت و سقف اندیشه ورزی و تفکر در حد «مطالبات معیشتی» و «مسائل صنفی» باقی خواهد ماند.

دانشجو معلمان با تمام مشکلات و بی‌برنامگی‌های موجود در حال دست و پا زدن نجات خود از معضل (معلم بی‌سواد) است. حال خوب است وجدان کاری باوجود کمترین مزایای اجتماعی با مطالعه تلاش‌های روزافزون به معلمی حاذق و ماهر در سیستمی کاملاً فرسوده تبدیل شود! سیستمی که پس از گذشت هفتادسال از تأسیس آن به‌صورت نوین به‌جای پرورش نبوغ و استعدادها دانش آموزان، در حال چک کردن ناخن، موی سر و... است!

“

برون داد فرآیند کارورزی باعث پرورش و مهارت‌های حل مسئله نخواهد شد و مانند بیشتر امور صرفاً به انجام یک بخشنامه و تکمیل کردن پرونده پرسنلی دانشجویان خواهد شد. نسل آینده معلمانی خواهد داشت که قادر به حل و تحلیل چالش‌ها و بحران‌های نظام آموزشی خواهد بود

”

با شیوه کاری بسیار سنتی که هیچ سررشته‌ای از فرآیندهای جدید آموزشی ندارند، گذرانده شود. فضا سنگین آموزشی موجود، عدم امکان انتقاد به معلم راهنما و تعامل طرفین به‌عنوان دو همکار یک حرفه مشترک جلوه‌هایی پدید آورده که گویی دانشجو معلم، موجود اضافه یا خوش‌بینانه‌ترین حالت همکار بی‌تجربه و کم‌سن و سال تلقی شده است که این عمل چهره مناسبی نداشته و یکی از موانع بر سر راه یک کارورزی مؤثر هست.

آیا اساساً رویکرد مسئولان در آموزش و پرورش و نهادهای تصمیم‌گیرنده و برنامه‌ریز، تربیت معلم فکور است؟

جواب این پرسش با طرح بسیار

غیرمعمول تحت عنوان حق‌التدریس

دانشجو معلمان سال سوم و

چهارم پاسخ داده می‌شود که

باعث ورود یک‌باره دانشجو

معلمان به کلاس درس،

بدون آمادگی‌های قبلی

و عدم گذراندن

مراحل کارورزی

است. با تعامل

عمیق‌تر متوجه

می‌شوید که

گاهی انگار آثاری

از عقلانیت در سیستم

آموزش و پرورش ما وجود ندارد!

سیستمی که حتی به توازن میزان استخدامی‌ها

و بازنشستگی معلمان عاجز مانده است که گاه با

استخدام قطره‌چکانی تمام تلاش‌های نسلی را به باد می‌دهد و گاه

دست به استخدام گله‌ای افراد فاقد صلاحیت می‌زند.

با کارورزی مجازی هیچ‌کدام از اهداف کارورزی از جمله آشنایی

با محیط کاری، توجه و مشاهده جنبه‌های انسانی و ارتباطی

آموخته‌های روان‌شناسی و فرهنگ سازمان و نیز روابط انسانی،

مشاهده تحلیلی و انتقادی اعمال و رفتار هر آنچه در مدرسه اتفاق

می‌افتد برای ارائه راه‌های بهبود آن تحقق نیابد.

نهایت اقدامات بدون برنامه‌ریزی و نسنجیده، کارورزی را به وجود

می‌آورد که برون داد فرآیند آن در دانشگاه فرهنگیان نه تنها منجر

یلدانه

شب یلدا شب رویایی و سرما

شب باهم نشستن در کنار آتش و گرما

شب حافظ خوانی و شعر و معما

شب هندوانه و آجیل و مسما

شب آواز دل نشین خان بابا

شب خوش نوای زوزه گرگ‌ها

شب خانه پدر در دل روستا

شب شعر در سرسرای بی همتا

شب انتظار برای پیامک پایا

شب بازی و مشورت با اخذ آرا

شب دیدن مادر جان خوش‌سینما

شب جایزه پدر بزرگ شکیبا

شب زمزمه نغمه و رویا

شب لذت بردن از آن لحظه دنیا

شب ردپای آدم‌ها روی برف‌ها

شب نور چراغ در تاریکی تنها

شب نشستن زیر کرسی و گرما

شب داستان‌های گیرا و زیبا

شب داشتن آشوز بهر التماس دعا

شب یلدا بر شما مبارک بادا



برای شنیدن نسخه صوتی یلدانه بار کد را
لمس یا اسکن کنید

علیرضا ذلقی



تنهای عریان!

حسین محمودی



گاه گاهی تاریک و مبهم
 گاه تلخ و افسرده
 ولی ممتد و بی پایان
 می خواند آن رنجور تلخ ...
 بس فسرده پای بر سنگ
 این چنین مرموز سکوتی مبهم
 هست بی آشیان
 شهر بی نام بی باران ...
 آه افسوس!
 شکسته هر آشیان
 از صدای مه گرفته‌ی اندوه
 آسمانی کبود
 افسانه‌ی نم نم عابران
 آخرین سرود ... زمزمه مبهم
 صدای زرد رنگ پر خط و خش
 خاموش
 مسکوت، نه!
 پیراهنی خیس
 شهری بی سقف و نمور
 بوی پیراهن، پیراهنی از یوسف
 خیس از دویدن ...
 آفتاب بی نور
 آسمان کبود، بی کیوتر حتی.
 نه ابر و دود ...
 آواز آرزو از فصل خسته
 بیدار ...؛ دائماً بیدار
 هشیار ...
 بی رنج و رنجور ...
 آفتاب می دوید در پی او
 ماه می سرود در پی ایشان
 و همه می رفتند
 شما وارد یک آهنگ می شوید
 هندزفری لطفاً ...

بگو، بگو
 بیاد ایوب تماشا کنه صبر مارو...
 از من میری به یه سالن
 به مردی که میزنه ویالون
 نه این قصه، قصه‌ی ما نیست ...
 من مغرور گم شدم حیرون
 کلمو بردم سمت آسمون
 که این منم من ...
 من با اونم
 که هم آسمونه هم چپیس
 هم با دزده هم با پلیس ...
 که هرچی هست و هرچی نیست
 دیدی آخر سر پیدا شد گم
 تو روز نهم
 به عبوری بدون انتظار برخورد
 افسرده
 خوب ولی بد
 ولی فارغ
 بی قاعده و دردناک
 درنگ.
 درنگ لجوج معوج
 در سرمای همه‌مه
 صدا می غرید بی نفس
 غم می ماند بی اثر
 اسارت ...
 این نیز
 صدا با سکوت آشتی نمی کند...
 و در زیر پای این مرغکان پر بسته
 زمین می دوید پا به پای ابر
 آسمان می دوید پا به پای انسان
 تا نم نم سرمای زمستان ...
 گاه گاهی تاریک و مبهم
 گاه تلخ و افسرده
 ولی ممتد و بی پایان
 می خواند آن رنجور تلخ ...
 بس فسرده پای بر سنگ
 این چنین مرموز سکوتی مبهم

هست بی آشیان
 شهر بی نام بی باران ...
 آه افسوس!
 شکسته هر آشیان
 از صدای مه گرفته‌ی
 اندوه
 آسمانی کبود
 افسانه‌ی نم نم عابران
 آخرین سرود ... زمزمه مبهم
 صدای زرد رنگ پر خط و خش
 خاموش
 مسکوت، نه!
 پیراهنی خیس
 شهری بی سقف و نمور
 بوی پیراهن
 پیراهنی از یوسف
 خیس از دویدن ...
 آفتاب بی نور
 آسمان کبود، بی کیوتر حتی.
 نه ابر و دود ...
 خون منجمد کیوترها
 لخت؛ تنهای عریان
 صدای همه‌مه شهر شلوغ ...
 شب...
 آواز آرزو از فصل خسته
 بیدار ...؛ دائماً بیدار
 هشیار ...
 بی رنج و رنجور ...
 آفتاب می دوید در پی او
 ماه می سرود در پی ایشان
 و همه می رفتند
 شما وارد یک آهنگ می شوید
 هندزفری لطفاً ...
 بگو، بگو
 بیاد ایوب تماشا کنه صبر مارو...
 از من میری به یه سالن
 به مردی که میزنه ویالون

برای شنیدن نسخه صوتی
 تنهای عریان بارکد را
 لمس یا اسکن کنید



بازی با کودکان ممنوع!

امروزه فضای مجازی آسیب‌های جدی به کودکان وارد کرده است!

فاطمه نجاری



امروزه متأسفانه فضای مجازی آسیب جدی به کودکان وارد کرده است. امروزه بعضی از والدین برای به دست آوردن لایک و کامنت اعضای برهنه کودکان خود را به اشتراک می‌گذارند و باعث آسیب روحی کودکان می‌شوند.

اما قصه غم‌انگیزتر از آن، کودکانی است که هنوز چشم به دنیا نگشوده‌اند اما صاحبان صفحاتی در فضای مجازی هستند که قرار است از اولین دقیق و روزهای زندگی، کار خود را به‌عنوان ابزار و عروسکی در دستان بلاگرها آغاز کنند. همیشه دغدغه کودکان کار را داشتیم که گره از مشکلاتشان بازکنیم اما اکنون با نوع مجازی آن روبرو شده‌ایم. اگر بگوییم که خطرات و آسیب‌های کودکان کار مجازی بیشتر از فضای حقیقی نباشد کمتر نیست، گزاف نگفته‌ایم. اینان کودکانی هستند که خصوصی‌ترین رفتار و کارهای آن‌ها و حتی اعضا و جوارح برهنه و نیمه برهنه آن‌ها مانند ویتروینی در معرض تماشا قرار می‌گیرند. والدین با این کار خود، توانمندی و استعداد را در ظاهر فرزندانشان خلاصه می‌کنند و فرزندانشان دچار اعتماد به نفس کاذب گشته و از بزرگ کردن و شاخص کردن ارزشمندی درون غافل می‌گردد. این دسته از کودکان، در هویت‌یابی خود دچار مشکل خواهند شد چراکه فرصت رشد به لحاظ خلاقیت و ارتباط با محیط و افراد را از دست می‌دهند و نخواهند توانست آینده درخشانی را برای خود به ارمغان بیاورند. کودکانی که حریم خصوصی آن‌ها نقص می‌شود، احساس عزت، ارزشمندی و هویت مستقل نخواهند داشت؛ افرادی که هویت مستقل نداشته باشند، شهامت اقدام ندارند و بسیاری از کارهای خود را با تقلید و کورکورانه انجام می‌دهند. مشاهده می‌شود که برخی از این والدین، به دلیل آنکه پول، لایک و کامنت به‌دست آمده از راه تبلیغات کودک به مذاقشان خوش آمده است در برابر این آگاهی‌بخشی‌ها مقاومت می‌کنند؛ اما سؤال اینجاست که هویت، جسم، روح و آینده فرزندانشان را با چه چیزی معاوضه می‌کنند؟

ماده دوم قانون حمایت از کودکان: هر نوع اذیت و آزار کودکان و نوجوانان که موجب شود به آنان صدمه جسمی یا روانی و اخلاقی وارد شود و سلامت جسم و روان آن‌ها را به مخاطره بی‌اندازد ممنوع است.

در سال‌های اخیر فضای ارتباط افراد با یکدیگر، از فضای حقیقی فراتر رفته و به عبارتی مجازی شده است؛ اما گویا نام آن برخی‌ها را فریفته و به خیال خود آن را دروغین پنداشته‌اند. عدم وجود زیرساخت‌های فرهنگی و عدم آموزش استفاده درست از این فضا موجب شده است، افراد هرگونه هنجار و رفتاری را برای خود صادر کنند و کم‌توجهی نسبت به این اقدامات موجب عادی‌انگاری برخی از نابهنجاری‌ها شده است. یکی از مصادیق این خرده‌فرهنگ‌های غلط شکل گرفته در فضای مجازی، انتشار تصاویر و فیلم اشتباهات دانش‌آموزان است که موجبات تفریح و سرگرمی افراد را فراهم آورده است.

نشر خطاهای دانش‌آموزان نه‌فقط به دست کاربران فضای مجازی بلکه به دست خود والدین و معلمان نیز می‌گردد. به‌راستی چرا معلمی که امین و محرم اسرار دانش‌آموزانش است، سارق امنیت و آرامش دانش‌آموزانش می‌شود؟ چرا والدینی که از آسیب و عواقب حضور فرزندان در فضای مجازی هراس داشتند، حال خود حریم شخصی فرزندان را می‌شکنند و هویت فردی و اجتماعی آن طفل معصوم‌ها را در معرض دستیابی عام و خاص قرار می‌دهند؟ همه این تصاویر و فیلم‌ها، گرچه برای لحظاتی خندیدن دست به دست شده و پخش می‌شود اما اثرات جبران‌ناپذیری را به دنبال دارد. علاوه بر آسیب‌های روحی و روانی، آینده دانش‌آموزان را در معرض خطر قرار می‌دهد. نشر چنین محتویاتی، موجب آشفتگی شخصیتی در فرد می‌شود و ثمره این آشفتگی، حالت افسردگی است. یادآوری تمسخر و خنده دیگران در ذهن دانش‌آموز، عزت‌نفس، اعتماد به نفس و خودباوری را از او می‌گیرد و ساخت رزومه بد در کودکی و برچسب‌زنی بزرگ به یک اشتباه کوچک دانش‌آموز، باعث از دست رفتن فرصت‌های رشد و شکوفایی وی در عرصه‌های تحصیلی و زندگی می‌گردد و همه کسانی که در انتشار این خطاها مشارکت داشته باشند، شریک جرم محسوب می‌شوند.

سلب مستبدانه آزادی زنان با خشونت

مسئله جهانی که جنسیت قربانی آن است

رقیه احمدی



نا عدالتی و خشم امری قابل پنهان نیست و طبق استدلال ساده منطقی که می‌گوید: خشونت نزد عقل یک امر ناپسند است؛ دین اسلام بر پایه تعقل بنا شده است، پس خشونت در دین امری بسیار ناپسند است. بر اساس همین مسئله در جوامع اسلامی، زنان از میزان خشونت کمتری برخوردارند. در این باره حدیثی هم گفته شده است: حق زدن زنان را ندارید مگر با برگ ریحان. این حدیث

عملاً حق خشونت جسمی را نسبت به زنان سلب می‌کند. نوع دیگر خشونت به زنان که امروزه بسیار مطرح و مشکل اساسی است، خشونت جنسی است. کشورهای غربی جزو رتبه داران و ۱۰ کشور اول این نوع خشونت هستند؛ سوئد و آمریکا هم به ترتیب رتبه دوم و سوم را دارند.

هر ۱۸ دقیقه یک زن در جوامع غربی همچون آمریکا قربانی خشونت جنسی می‌گردد که ۲۶ درصد این آمار مربوط به محیط‌های آموزشی است

در این کشورها هر ۱۸ دقیقه

یک زن قربانی این خشونت می‌گردد که ۲۶ درصد این خشونت مربوط به مراکز آموزشی آن‌ها همچون دانشگاه‌ها است.

این مسئله در حالی است که آمار زنانی که به دین اسلام به دلیل حقوق شرعی پی می‌برند در حال افزایش است. حضرت امام خامنه‌ای هم در این مورد می‌فرمایند: دیدگاه و نظر اسلام در مورد نقش زن در جوامع و خانواده به مراتب بهتر از ادعای غرب است.

اما همچنان نیز با وجود این حقوق در برخی مواقع رعایت نمی‌شوند و خشونت صورت می‌گیرد بی آنکه ندای عدالتی برخیزد؛ آیه ۳۴ سوره نساء نیز دستاویز شرعی برای تثبیت این نابرابری است.

به امید جامعه‌ای بی خشونت و برابر

شغل معلمی؛ سپید و سیاه در یک قاب

آنچه لازم است از محاسن و معایب شغل معلمی بدانیم...

محمد امین صفایی



حرفه‌ی معلمی در کنار جایگاه والا
انبیایی، روابط گسترده اجتماعی و
محیط کاری سالم؛ معایب متعددی
مانند دستمزد ناکافی، مشکل ادامه
تحصیل و فرسایش شغلی را نیز در
خود دارد.
بخش بزرگی از مشکلاتی که در راه
معلمان وجود دارد ناشی از در اولویت
نبودن آموزش و پرورش برای دولت
است.

معلمی عشق است و اشتغال، این اولین جمله‌ای بود که در بدو ورود به دانشگاه از اساتید شنیدم. اگرچه این جمله کاملاً درست است اما معلمان آینده لازم است درک درستی از محاسن و معایب شغلشان داشته باشند. در حرفه‌ی معلمی امتیازات، محدودیت‌ها و معایب باهم آمیخته شده‌اند. شأن انبیاپی معلم، تأثیرگذاری بر نسل‌های آینده، روابط گسترده اجتماعی، امنیت شغلی، حقوق ثابت و فضای سالم کاری از آن دسته ویژگی‌های مثبتی است که می‌توان به آن اشاره کرد. اما در کنار این محاسن، عیب‌های غیرقابل انکاری هم وجود دارد که به آن‌ها خواهیم پرداخت.

شاید اولین مشکل یک معلم بی‌توجهی دولت به او است. این بی‌توجهی در ابعاد مختلفی مانند تبعیض در دستمزد نسبت به دیگر کارمندان، موانع متعدد در راه ادامه تحصیل یا حتی نوع نگرش مسئولین به نقش اجتماعی معلم دیده می‌شود. در حقیقت معلم‌ها تنها در بعضی اوقات و زمان‌ها که همه به آن آگاهییم مورد توجه قرار می‌گیرند. همین نوع طرز نگاه باعث شده است معلم برای گذراندن زندگی خود به جای تمرکز بر بهبود کیفیت تدریس مجبور باشد به کارهای بعضاً مخالف شأن و جایگاه اش از بپردازد.

از دیگر مشکلات موجود در حرفه معلمی آسیب ناشی از بی‌مدیریتی، بی‌سیاستی و ناپایداری در برنامه‌های مسئولین است. تغییر بی‌برنامه و چندباره پایه‌های تحصیلی، کمبود امکانات آموزشی و فشار سنگین کمبود معلم در مدارس که حالت استاندارد فضای آموزشی را به هم می‌زند؛ مثال‌ها عینی از بی‌سیاستی‌های مسئولین است که آسیب آن مستقیماً به معلم وارد می‌شود. در پایان می‌توان گفت حرفه معلم اگرچه محاسن زیادی دارد؛ اما محدودیت‌های غیرقابل انکاری نیز دارد که امیدوارم با نگاه درست مسئولین و همت فزاینده خودمان برطرف شوند.



یک فنجان قهوه

آشنایی با سه نوع از معروف‌ترین نوشیدنی‌های کافئینی

بی‌شک یکی از لذت‌بخش‌ترین لحظات روزهای سرد سال نوشیدن یک فنجان قهوه داغ در فضای گرم یک کافه و تماشای دانه‌های برفی است که بیرون از پنجره در حال باریدن است؛ اما برای خیلی از ما که رایج‌ترین نوشیدنی کشورمان چای است، شاید تفاوت انواع قهوه‌ها در حاله‌ای از ابهام به سر برود. زمانی که منو کافه را باز می‌کنیم، لیست بلندی از اسم‌هایی را می‌بینیم که تفاوتشان برای ما ملموس نیست و اکثر اوقات انتخاب ما، برای کسب تجربه و یا به‌صورت تصادفی صورت می‌گیرد که حتی ممکن است فنجان قهوه‌ای که مقابلمان قرار می‌گیرد موردعلاقه‌مان نبوده و با مزاجمان سازگار نباشد.

یک فنجان قهوه تقریباً دارای ۱۰۰ میلی‌گرم کافئین است اما تفاوت اصلی در قهوه‌ها در نوع دم کردن آن‌ها است؛ و در میان انواعشان سه نوعش شهرت بسیاری دارد: قهوه ترک، قهوه فرانسه و قهوه اسپرسو

قهوه ترک:

بسیار نرم آسیاب و تبدیل به آرد قهوه می‌شود که دقیقاً به علت همین ویژگی احتیاج به مراقبت خاص دارد تا عطر و بوی خود را از دست ندهد. قهوه ترک به‌وسیله قهوه‌جوش‌های معمولی روی شعله گاز آماده می‌شود و دارای کف روی فنجان و مقداری لرد* در ته فنجان است، قهوه ترک در فنجان‌های کوچک سرو شده و میزان شکر آن با توجه به ذائقه افراد متفاوت است.

قهوه فرانسه:

نسبت به قهوه ترک زبرتر آسیاب و با دستگاه قهوه ساز دم می‌شود به صورتی که قهوه در داخل فیلتر کاغذی مانده و فقط عصاره قهوه به‌وسیله آب گرم خارج شده و در مخزن دستگاه جمع می‌شود. این قهوه مانند چای فاقد کف و لرد ته فنجان است و معمولاً در لیوان‌های معمولی سرو می‌شود

قهوه اسپرسو:

نرم‌تر از قهوه فرانسه و زبرتر از قهوه ترک آسیاب می‌شود و با دستگاه مخصوص اسپرسو دم می‌شود به صورتی که آب با فشار زیاد از قهوه عبور داده‌شده و عصاره قهوه خارج می‌شود. اسپرسو در فنجانی کوچک‌تر از فنجان قهوه ترک سرو شده و دارای کف نازک روشنی روی آن و فاقد لرد است.



تخمه‌های آفتاب‌گردان را دور

نریزید!

افشین نصیبی



گل‌های آفتاب‌گردان در مبارزه با مواد رادیواکتیو

اخیراً، نیروگاه هسته‌ای «فوکوشما» ی ژاپن، بعد از وقوع زلزله ویرانگر این کشور در ماه مارس، آسیب دید و تشعشعات رادیواکتیو به بیرون از این نیروگاه نفوذ کرد و به عقیده دانشمندان، اثرات خطرناک مواد رادیواکتیو تا صدها کیلومترها اطراف این نیروگاه مواد غذایی را آلوده کرده است. این کار باعث شده است که مردم این کشور، از ترس خطرناک بودن مواد غذایی، نتوانند از آن‌ها استفاده کنند؛ اما محققان ژاپنی راه‌حل کم‌هزینه و خلاقانه‌ای برای این مشکل در نظر گرفته‌اند. به گفته این محققان، اگر گل‌های آفتاب‌گردان که در این مزارع به رادیواکتیو آلوده شده‌اند، در کوره سوزانده شوند، دود رادیواکتیوی می‌آورند و در صورتی که گرد آن ناشی از سوزاندن آن‌ها، وارد اتمسفر شده و در ترکیب با گازهای موجود در هوا روی مواد غذایی آلوده رادیواکتیو بنشینند، اثر شیمیایی مواد رادیواکتیو نوعی ترکیب شیمیایی دیگر به وجود می‌آورد و خطرناک بودن مصرف مواد غذایی، دیگر از بین خواهد رفت. به همین منظور، تیم «یاماشیتا» در این مورد تحقیق کرده و این فرضیه را هم مطرح کرده‌اند؛ در صورتی که خاک اطراف فوکوشیما بدون پتاسیم باشد، احتمال محکمی وجود دارد که کاشت آفتاب‌گردان بتواند به جذب سزیم (که یکی از خطرناک‌ترین فلزها است و از مواد رادیواکتیوی به دست می‌آید) کمک کند.

این تیم تحقیق، در نظر دارد با کاشتن گل‌های آفتاب‌گردان در اطراف سایر مواد غذایی آلوده به رادیواکتیو، آفتاب‌گردان‌ها، سزیم موجود در خاک اطراف را به خود جذب کنند و پس از آن، خودشان به دست محققان نابود شوند. «یاماشیتا» در این خصوص توضیح داده است: «ما هنوز در فاز جمع‌آوری دانه‌های آفتاب‌گردان هستیم و فکر می‌کنیم که تا پایان پاییز بتوانیم به میزان کافی دانه جمع کنیم.» این محقق همچنین از مردم خواست که در جمع‌آوری دانه‌های آفتاب‌گردان کمک کنند. با امید به اینکه این گیاهان بتوانند خاک را دوباره پاک کنند و به نمادی برای ژاپن جدید پس از فاجعه تبدیل شوند. لازم به ذکر است که در حال حاضر، آژانس فضایی ژاپن، ۳۰۰ کیلوگرم دانه آفتاب‌گردان جمع کرده‌اند!

ژاپنی‌ها برای مقابله با اثرات رادیواکتیو نیروگاه هسته‌ای فوکوشیما، در اطراف این منطقه گل‌های آفتاب‌گردان را پرورش می‌دهند تا از میزان عنصر سزیم و پرتوهای خطرناک آن کاسته شود.

HIV یا کرونا؟

شباهت اولیه علائم بیماری HIV با کرونا و آنفولانزا

ظهور پیدا کرده است که به سرعت جهان را درنوردیده و هر روز به مبتلایان آن افزوده می‌شود. تشخیص علائم آن با ایدز، برای پزشکان کمی سخت شده است. ویروس کرونا بسیار باهوش است و تاکنون ۳۰ بار جهش انجام داده و هر روز به علائم بالینی آن افزوده می‌شود. همین باهوشی ویروس کرونا و جهش‌های متوالی کار را برای یافتن داروی مؤثر سخت کرده است؛ اما به همت متخصصان امروزه واکسن این ویروس ساخته شده است. این نظریه هم که «آیا کرونا هم به سرنوشت HIV دچار خواهد شد و انسان قادر به ساخت داروی مؤثر برای این بیماری نخواهد شد؟» رد شد.

با اطمینان کامل می‌توانیم بگوییم که این روزها واژه کرونا، بارها و بارها در رسانه‌ها و گفتگوهای بین مردم شنیده می‌شود؛ اما ببینیم که کرونا حقیقتاً چیست؟ و چه علائمی دارد؟

ویروس کرونا (COVID-19)، متعلق به خانواده ویریده از ویروس‌ها است که باعث ایجاد عفونت در ریه‌ها می‌شود. علائم اولیه کرونا همانند ویروس آنفولانزا، خستگی، تب، گلودرد و سرفه است که در نهایت به مشکلات تنفسی منتهی می‌شود. دانشمندان، میانگین زمان لازم برای بروز علائم این بیماری را ۵ الی ۱۴ روز تخمین می‌زنند.

اخیراً در تحقیق‌های صورت گرفت، محققان به این نتیجه رسیده‌اند که ویروس کرونا شباهت زیادی به ویروس HIV دارد (HIV نام ویروسی است که سبب بروز بیماری می‌شود)؛ به طوری که علائم اولیه HIV که عبارت از تب، سردرد، خستگی و گلودرد است، دقیقاً مشابه با علائم اولیه کروناس است و در حقیقت، ساز و کار ویروس کرونا و HIV یکی است و هر دوی آن‌ها ایجاد عفونت در بدن منجر به کاهش سیستم ایمنی بدن می‌شود.

آیا کرونا هم به سرنوشت HIV دچار خواهد شد؟

۳ دهه پیش، یکی از خطرناک‌ترین ویروس‌هایی که بشر را با نگرانی زیادی روبه‌رو کرده بود ویروس HIV بود؛ اما پیشرفت علم و تکنولوژی، نشان داد که ویروس HIV آن قدری هم که فکر می‌کردیم خطرناک نیست و مبتلایان به این بیماری، می‌توانند با داروهای مؤثر و انجام پروتکل‌های بهداشتی عمر طبیعی داشته باشند؛ اما حالا که ویروس جدیدی



نوبل معلمی این بار از جنس عشق

حساسیت، عشق، تحمل و فداکاری، زندگی زن را تشکیل می‌دهد. (انوره دو بالزاک)

ثریا مطهرنیا نام آشنایی که این روزها در رابطه با افتخار آفرینی‌هایش حکایت‌های بسیاری نقل می‌شود. زنی که فداکاری‌هایش به وسعت نامش هستند. او که دانش‌آموخته تربیت‌معلم کردستان بود به خوبی رسالت معلمی را از همان سال‌های اول حضورش در مرکز تربیت‌معلم درک کرده بود. او در تمامی این سال‌ها با وجود موقعیت و شرایط تحصیلی و شغلی عالی حضور در روستاهای دورافتاده را ترجیح داد و در تمامی ۲۶ سال طول تدریسش برای تک تک دانش‌آموزانش فراتر از یک معلم بود. او در مصاحبه‌هایش بیان می‌کند که در ابتدا معلم و مدیری سخت‌گیر بودم و می‌خواستم با این روش فرایند تدریس را پیش ببرم اما به زودی درک کردم که دانش‌آموزان نه به یک معلم سخت‌گیر بلکه به مادری دلسوز نیازمندند. از دیدگاه او شرط اصلی معلمی این است که در برابر همه دانش‌آموزانت پا را از کلاس درس فراتر بگذاری و از همان روز اول دیدگاه کلی نسبت به هر کدام از آن‌ها و وضعیت خانوادگی و اقتصادی آن‌ها پیدا کنی تا همواره بتوانی آن‌ها را درک نمایی و در کنارشان باشی. از دیدگاه خانم مطهرنیا معلم می‌تواند بهترین نتایج آموزشی را در ارتباط با دانش‌آموزان خود کسب کند. او باید هویت فردی هر دانش‌آموز را بشناسد و در کمک به حل چالش‌های سه‌گانه او در خانه، محیط خارج از خانه و مدرسه، اشراف نسبی پیدا کند. مهم‌ترین نکته برای یک آموزگار این است که خود و دانش‌آموزانش را در یک چهارچوب آموزشی بسته نبیند و آموزش را پروسه‌ای اجتماعی در نظر بگیرد که در آن در نهایت باید دانش‌آموز به مثابه یک فرد آموزش‌دیده بتواند در اجتماع به ایفای نقش‌های مختلف و توان اداره زندگی خود و دیگری بپردازد. او به واسطه افتخار آفرینی‌هایش آوازه‌ای به بلندای بام ایران، خطه پرآوازه کردستان در میان جهانیان پیدا کرده است و کاندید دریافت نوبل معلمی در میان معلمان برتر جهان گشته است و چه زیبا الگویی است برای تمامی کسانی که با عشق پا در مسیر پر پیچ و خم معلمی می‌گذارند.

“

فردریش نیچه می‌گوید: کسی که ذاتاً آموزگار باشد؛ به تمامی امور دانش‌آموزانش، حتی به آنچه که به خودش مربوط است به طور جدی می‌پردازد.

”



می‌دانیم که این روزها خیلی از ورودی‌های ۹۷ و ۹۸ مشغول تدریس شدند. در واقع نو معلم بودن می‌تواند برای همه دلهره‌آور باشد؛ از روش تدریس گرفته تا نکات اداری کلاس. برای کمک به شما و البته همه‌ی دانشجویایی که مشتاق یاد گرفتن هستند، تصمیم گرفتیم سراغ معلم‌های با سابقه و موفق بریم و از آن‌ها پرسیم چه تجربه‌ای را در این سال‌ها به دست آوردید که روزهای اول تدریس، از آن بی‌خبر بودید؟



۲

منتظر احساس خوشبختی باش! (آقای بردیاعلمی، دبیر گرافیک)

بزرگ‌ترین تجربه این است که وقتی شروع می‌کنی، هرگز نمی‌دانی بعد از سال‌ها وقتی یکی از هنرجوها از تو بابت این تشکر می‌کند که توانسته است با آموزش‌های تو، نان آور خانواده شود، چه قدر می‌تواند دنیای تو را عوض کند و کیف می‌کنی از اینکه یک روز تصمیم گرفته‌ای معلم شوی و همین برایت تا آخر عمر کافی است. من ده‌ها بار احساس خوشبختی را تجربه کردم به همین دلیل این را می‌گویم.

۱

کلاس فقط تدریس نیست! (خانم لیلا جلیل‌وند، دبیر زیست)

کلاس، فقط تدریس نیست و بچه‌ها در کلاس فقط درس یاد نمی‌گیرند؛ بلکه حس امنیت، ارزشمندی با وجود تفاوت‌ها و... را هم باید در مدرسه داشته باشند. کلاس را نباید خشک و جدی پیش برد، این طوری کار و کلاس هم برای معلم و هم برای دانش‌آموز سخت می‌شود. قبل از درس دادن باید به دانش‌آموز نحوه‌ی درس خواندن یاد داده شود. پس باید در مورد نحوه‌ی خواندن هر درس، زمان مناسب برای مطالعه و از این دست موارد، اطلاعات کافی به دست آورد و قبل از تدریس به دانش‌آموز یاد داد.

۴

اول نوبت ویژگی‌های خوب است! (خانم فرشته رضانی، آموزگار پایه پنجم)

اوایل تدریسم به شکل صفر و صد با بچه‌ها رفتار می‌کردم. یکی از چیزهایی که هنوز گاهی با آن درگیر می‌شوم، نحوه‌ی برخورد با والدین است. اوایل حس مادرانه نداشتم و نمی‌دانستم همه‌ی پدر و مادرها دوست دارند در ابتدا ویژگی‌های خوب فرزندشان را بشنوند. من قصد کمک داشتم اما بعد احساسی قضیه را در نظر نمی‌گرفتم. بعدها فهمیدم که در مواجهه با والدین اول باید از فرزندشان تعریف کنم و بعد با احتیاط در مورد مواردی که باید اصلاح شود حرف بزنم.

۳

صبور باش! (خانم نسرين حنیفی، دبیر زبان)

مهم‌ترین تجربه‌ای که در این مدت ۲۶ سال به دست آوردم این بوده که باید خیلی صبور و آرام باشی و نباید در مورد بچه‌ها زود قضاوت کنی.

۵

از خودت شروع کن! (آقای بهروز آیرملوی، آموزگار بازنشسته)

وقتی سال ۱۳۷۰ وارد آموزش و پرورش شدم، مدت زیادی طول نکشید که متوجه شدم سیستم آموزشی ما دانش‌آموزان را برای تفکر خلاق، اندیشیدن، نقد کردن و... آماده نمی‌کند. در ابتدا کارهای زیادی انجام دادم، از نامه‌نگاری و طومار نوشتن تا امضا جمع کردن؛ همه و همه برای تغییر کتاب‌های درسی. وقتی این کارها بی‌نتیجه ماند، از خودم شروع کردم. هزینه‌های زیادی برای دوره‌های بین‌المللی پرداخت کردم، کتاب‌های درسی دیگر کشورها را مطالعه کردم، به عضویت انجمن‌های جهانی در آمدم و تغییر را از همان کلاس ۳۵ نفره‌ی خود آغاز کردم. من نتیجه‌ی تلاش‌هایم را در تک به تک دانش‌آموزانم می‌دیدم. حالا هم تجربه‌ی ۳۲ سال تدریس را در قالب کتاب‌ها و دوره‌های مختلف در سایت کارافکر به اشتراک می‌گذارم.

قلعه کرشاهی یا قلعه دزدها!؟

زهرامبادرثانی



این بار هم سفر ما باشید تا شما را به قلعه‌ی پر ماجرا در دل کویر ببریم. سفری به قلعه تاریخی که شالوده آن مربوط به پیش از اسلام است و انسان‌های متفاوتی از شاه و ارباب تا دزد و راهزن به خود دیده است. برای رفتن به این قلعه پر ماجرا به کویر ابوزیدآباد در شهرستان آران و بیدگل استان اصفهان حرکت می‌کنیم.

قلعه کرشاهی از دو کلمه «کر» که حدس زده می‌شود به معنی کاریز و «شاهی» منسوب به شاه است؛ گرفته شده و گفته می‌شود این قلعه مربوط به دوران ساسانی است. مساحت قلعه ۸۰۰۰ متر مربع و به طول حدود ۲۱۰ متر تا ۲۱۵ متر است. دور تا دور قلعه اصطبل‌ها قرار دارند. این قلعه مربعی شکل دو دیوار دارد که بین دو دیوار خندقی به دهانه‌ی ۵ متر حفر شده است. قلعه دارای ۵ برج اصلی و ده‌ها برج فرعی دیگر است. در دیوار خارجی اثراتی از برخورد توپ‌های جنگی دیده می‌شود؛ گویا قلعه کرشاهی زخم‌های زیادی از انسان‌ها و برای حفاظت از آن‌ها خورده است؛ ولی هم اکنون که عمر درازی را گذرانده است نیازمند کمک انسان‌ها برای پابرجایی خود

و تاریخی که با خود حمل می‌کند است. از دروازه ورودی در جنوب قلعه وارد می‌شویم، البته قلعه یک گریزگاه در قسمت شمالی نیز دارد. قلعه دارای اتاق‌ها و غرفه‌های تو در تو و پیچیده است. در قلعه ۴ اتاق زمستانی و ۱۰ اتاق تابستانی می‌بینیم و ۳ اتاق دیگر در کنار حیاط کوچکی که گودال دایره‌ای شکل دارد دیده می‌شود؛ که گویا این سه اتاق برای اسکان غلامان بوده است. به حیاط بزرگ قلعه می‌رویم که حوض بزرگی در آن قرار دارد. وجود داشتن حوض بزرگ در قلعه‌ای در وسط کویر شاید خنده‌دار باشد! در روزگاران خیلی دور وقتی مغولان مردم قلعه کرشاهی را محاصره کرده بودند، گمان می‌کردند مردم قلعه به خاطر تشنگی یا گرسنگی در نهایت تسلیم خواهند شد؛ ولی این قلعه با معماری و موقعیت خاص خود مردم قلعه را که در آغوش خود گرفته بود نجات می‌دهد. به خاطر ضخامت کم پوسته زمین مردم قلعه، فقط با حفر کردن ۵ متر به آب‌های زیرزمینی رسیدند و با حفر کردن قنات و غافلگیری مغولان طعم خوش پیروزی را چشیدند. این

قلعه مهربان بعد از مدت‌ها جولانگاه دزدان و غارتگران شده بود؛ به خاطر همین مردم این قلعه را قلعه دزدها می‌خواندند. نایب حسین کاشی برای آخرین بار این قلعه را در دوران قاجار مرمت کرد و در آن زمان‌ها بر کل منطقه کاشان از نظنز تا ساوه تسلط داشت و یاغی‌گری می‌کرد. قلعه کرشاهی این بار نیز مهمان‌های قلعه خود را هر چند که یاغی‌گر بودند در برابر حملات رضاشاه نجات داد. نایب حسین کاشی بعد از فرار از قلعه توسط رضاشاه دستگیر و اعدام شد. قلعه کرشاهی، بزرگ‌ترین بنای خشتی ایران پس از زلزله بم، در ۲۵ خرداد ۱۳۸۱ جزو آثار ملی ایران به ثبت رسید.

پیشنهاد می‌شود برای بازدید از قلعه وسایل برای اقامت در شب همراه داشته باشید تا از آسمان زیبای کویر و ستارگانش در تاریکی شب لذت ببرید.

مراسمات مذهبی آران و بیدگل

نیمه نوجوانان ۱۰ تا ۱۵، ۱۶ ساله در قالب گروه‌های چند نفری به درب منازل مردم رفته و با خواندن اشعاری که مضمون آن طلب کمک و اعانه است، بدین صورت که یک نفر که سمت سرگروهی دارد اشعار را می‌خواند و دیگران به دفعات جواب می‌دهند: هور بابا- هور بابا مبادرت به جمع‌آوری کمک و اعانه نموده و در پایان، آن‌ها را بین مستمندان توزیع و تقسیم می‌نمایند.

مراسم عید غدیر

در روز عید غدیر خم همه مردم (اعم از زن و مرد) به دیدار سادات می‌روند و معمولاً افراد سید (زن و مرد، جداگانه) در منزل می‌مانند و با میوه و شیرینی از بازدیدکنندگان پذیرایی می‌نمایند. عموم افراد سید به بازدیدکننده‌ها علاوه بر پذیرایی با اسکناس نو عیدی نیز می‌دهند.

مراسم عید فطر

در روز عید سعید فطر و پس از انجام مراسم اقامه نماز عید، همه مردم به فاتحه اهل قبور به گورستان‌ها و سر خاک عزیزان و اقوام و آشنایان خود می‌روند. بر سر خاک و قبر افرادی که اولین عید فطر بعد از وفاتشان باشد، مراسم ویژه‌ای برگزار و با انواع میوه و شیرینی (و حتی بعضی‌ها با ناهار) از مردم پذیرایی می‌نمایند.

در شهر آران و بیدگل و در روزهای دهم و یازدهم و دوازدهم محرم در نوش آباد مراسم تعزیه‌خوانی به صورتی بسیار وسیع و جامع انجام می‌شود. اجرای این مراسم تعزیه‌خوانی با استفاده از تعدادی شتر و اسب و اجرا در میادین وسیع با مساحت‌های زیاد و بعضاً در ریگزارهای اطراف شهر صورت می‌گیرد؛ سالانه هزاران نفر از اهالی شهرهای مجاور و اطراف برای دیدن و یا شرکت در این مراسم بدین نقاط عزیمت می‌نمایند.

ماه مبارک رمضان

بنا بر یک رسم و سنت تاریخی که سابقه‌ای چند صدساله دارد در روز ۲۱ ماه مبارک رمضان که مصادف با سالروز شهادت حضرت علی ابن ابوطالب (ع) می‌باشد. اهالی شهر کاشان و سایر شهرها و آبادی‌های اطراف و عموماً در قالب دستجات و هیئت‌های عزاداری از ساعات اولیه روز (و تقریباً از بعد از نماز صبح) به شهر آران و بیدگل می‌آیند و در صحن و سرای وسیع بقعه مبارکه امامزاده محمد هلال و امامزاده هاشم (فرزندان حضرت علی (ع)) به عزاداری می‌پردازند.

مراسم هور بابائی

بنا بر یک رسم قدیمی در شامگاه روز چهاردهم ماه مبارک رمضان، به‌عنوان شب

آران و بیدگل شهری کویری واقع در استان اصفهان است، این شهر پیشینه‌ای قدیمی دارد و مزین به انواع لهجه‌ها و آداب و رسوم است. سابقه تشیخ و ریشه‌های عمیق اعتقادی مردم و ارتباط قوی و استوار آنان با علما و رهبران دینی موجب شده مردم این شهر به مراسمات مذهبی ارزش خاصی قائل باشند. در زیارتگاه‌ها و امامزاده‌ها، زیارت اهل قبور و برپایی مجالس و محافل دینی از رسوم پسندیده مردم این منطقه است.

نیمه اول ماه محرم

بنا به معمول سنواتی از دوران بسیار قدیم در آران و بیدگل و شهرها و آبادی‌های اطراف در روزهای نیمه اول ماه محرم هر سال مراسم بزرگداشت و عزاداری حضرت اباعبدالله الحسین و شهدای کربلا با آئین‌های خاص و ویژه‌ای برگزار می‌شود. در روزهای تاسوعا و عاشورا هیئات و دستجات مختلف با سبک و سیاق خاصی به عزاداری می‌پردازند.

هم‌چنین در این دوروز با استفاده از دیگ‌های مسی بسیار بزرگ به نام دیگ شاه‌حسینی انواع آش حلیم- شیربرنج- حلوا و با استفاده از آرد- روغن- شکر- شیر- شیره انگور نوعی نان با عنوان نان عباسعلی طبخ و بین مردم توزیع می‌شود. در روز عاشورا در ابوزید آباد و در روز یازدهم محرم در محله وشاد



مچ گیری ایران از ابر قدرت پوشالی جهان

علی عزتی



آن‌ها هم‌خوانی نخواهد داشت و احتمال اینکه مذاکرات با دولت جدید ایران، جهت متقاعد کردن و ضعیف کردن ایران با استفاده از اهرم فشار مذاکرات به بن‌بست برخورد کند؛ درصدد آن بودند تا با این اقدام خصمانه و غیرقابل توجیه و دزدیدن و به غارت بردن نفت ایران از دست ایرانی‌ها در آستانه شروع مذاکرات، زهرچشمی از دولت جدید ایران، بگیرند تا بتوانند ایران را هم سو با اهداف و خواسته‌های خود به میز مذاکره بنشانند و با این اقدامات، ایران را وادار به قبول کردن خواسته‌های نابجای خود در مذاکرات کنند؛ اما با هوشیاری دلاوران ایرانی، نه تنها این اقدام خنثی شد؛ بلکه نقشه و حيله شوم آمریکایی‌ها را به کلی نابود کرد؛ و مهم‌تر اینکه این شکست در ادامه روزها و تحولات پیش رو به ویژه برجام، روحیه تیم آمریکا را ضعیف‌تر می‌کند؛ چرا که باید در مقابل «قدرت تهاجمی» و «قدرت منطقه‌ای» ایران، صدایش را پایین بیاورد و با احترام و احتیاط بیش‌تری عمل کند. نکته چهارم اینکه ایران به خوبی نشان داد و به کل جهان اثبات کرد که رزمایش‌های نظامی این کشور در جهت پیش برد اهداف سیاسی و نظامی خود و پیشرفت و ارتقاء توان دفاعی و بازدارندگی خویش تنها شوی نمایشی ندارد و تمام رزمایش‌های خود را با برنامه و با هدف انجام می‌دهد. نکته پایانی نیز که می‌توان اشاره کرد این است که با توجه به اقدامات جدید ایران در زمینه تقویت و گسترش اقتصاد خود، به خصوص در امر صادرات و توجه به اینکه بخش عمده‌ای از صادرات و انتقال کالاهای ایران از طریق دریا و راه‌های دریایی صورت می‌گیرد اقدام مقتدرانه سپاه در این ماجرا، ضریب امنیت دریایی صادرات ایران را افزایش داده و به «نقطه اطمینان» رساند و پاسخ کاملاً روشنی به کسانی که قصد سنگ‌اندازی و مزاحمت در دریاها برای ایران دارند را صادر کرد.

هفته پیش؛ خبر درگیری دریایی میان جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا که قصد دزدی دریایی نفت ایران را در آب‌های آزاد داشتند؛ مثل یک بمب در سراسر جهان سر و صدا به پا کرد. در این درگیری، نیروی دریایی سپاه جمهوری اسلامی ایران با قدرت تمام توانست نفت‌کش حامل نفت ایران را که توسط آمریکایی‌ها و شرکای منطقه‌ای آن‌ها ربوده شده بود را برگرداند و در آب‌های سرزمینی خود را توقیف کند؛ اما این توقیف و این عملیات دریایی ایران علیه دشمن دیرینه خود آمریکا، از لحاظ سیاسی و نظامی، فراتر از یک عملیات نظامی بود و نکات و پیامدهای زیادی را در بر داشت.

نکته اول در این اقدام خبیثانه آمریکا و متحدان منطقه‌ای‌اش این است که نظامیان آمریکایی حداکثر تلاش خود برای متوقف کردن پاسداران دریایی ایرانی جهت به غارت بردن نفت ایران، انجام دادند ولی ناکام و شکست خورده میدان را ترک کردند؛ و نکته دوم تودهنی به سعودی‌ها بود که گمان می‌کرد می‌توانند در پناه نیروی دریایی آمریکا، موفقیتی به دست آورد و بر شکست‌های پی‌درپی این روزهایشان از دلاوران یمنی سرپوش بگذارند و به ایران هشدار دهند تا کمتر در منطقه علیه آن‌ها چالش ایجاد کند و به آن‌ها ضربه بزند؛ اما حالا با این شکست، درست برعکس آن اتفاق افتاد! چراکه علاوه بر اینکه ایران بار دیگر به مفت‌خورهای سعودی اثبات کرد که قدرت برتر و مطلق منطقه کشور ایران است؛ باعث افزایش انگیزه یمنی‌ها در مبارزه با سعودی‌ها شد.

سوم اینکه این واقعه در آستانه اجلاس و نشست وین، رخ داد و می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که به احتمال زیاد به دلیل نزدیکی با مذاکرات وین و همچنین تغییر در بدنه دولت ایران و روی کار آمدن دولت انقلابی و سازنده که برخلاف عقاید و خواسته‌های آمریکایی‌ها بود؛ آن‌ها با آگاهی از این موضوع که عقاید و اهداف این دولت با

دوپای دیگر قرص کنید

اقتصاد ایران، فرصت هر شیطنتی را از دشمنان می‌گیرد

RUN FOR YOUR LIFE



راز موفقیت شما در این کتاب نهفته است

می‌دانیم که این روزها خیلی از ورودی‌های ۹۷ و ۹۸ مشغول تدریس شدند. در واقع نو معلم بودن می‌تواند برای همه دلهره‌آور باشد؛ از روش تفکر قوه جداناپذیر ساختار وجودی انسان است؛ ما در هر لحظه در حال تفکر هستیم. همین‌الان به تفکر نکردن بپردازید! این کار غیرممکن است، همین‌که به تفکر نکردن پرداختید تفکر کردید!

هدف و آرزو هم همانند تفکر است انسان با آرزو زنده است همین‌الان چندین هدف برای آینده دارید...

راز رابط بین تفکر و هدف است.

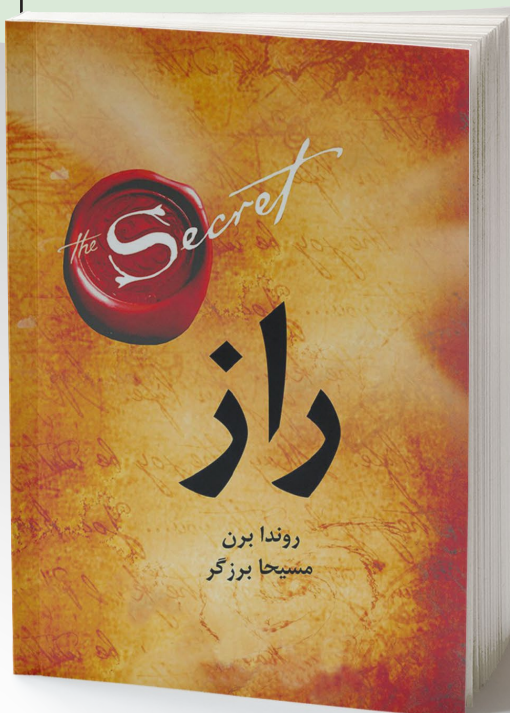
شما زاده افکار تان هستید، شما زاده افکار تان هستید؛ این است خلاصه راز! رازی که اگر به آن پی ببرید زندگی تان متحول می‌شود. راز یک قانون است، قانون جذب! قانون جذب می‌گوید افکار شما آهنربایی است که مدام در حال جذب فرکانس‌های همسو با افکار تان است. طبق گفته افرادی که تجربه نزدیک به مرگ داشته‌اند، هر چیز دارای نور است، حتی درخت دارای نور است که ما آن را با چشم غیرمسلح و با وجود مادی نمی‌بینیم. فیزیک کوانتم نیز می‌گوید هر چیزی که فکرش را انرژی دارد و دارای فرکانس است هر چند که ما آن را با چشم عادی نمی‌بینیم.

وقتی ذهن شما چه فرکانس خوب چه فرکانس بد را ارتعاش دهد، کل کائنات انرژی شبیه به آن را به خودتان برمی‌گرداند، احساسات مثبت ارتعاش کنید تا ارتعاشات مثبت به شما برگردد، مثبت بیندیشید تا زندگی تان به بهترین نحو مطابق با افکار مثبتتان رقم بخورد. طبق کتاب «مرگ فروشنده» (اثر: آرتور میلر) رؤیا مخدر واقعیت است.

درباره راز یا همان قانون جذب کتاب‌های مختلفی نوشته شده و مستند آن نیز ساخته شده است. اگر تمامی نوشته‌های کتاب‌های مربوط به راز را در یک جمله بیان کنیم می‌توانیم بگوییم: هر آنچه ما هستیم نتیجه افکاری است که ما داشته‌ایم. (بودا) ممکن است سؤال پیش بیاید که گاهی مثبت اندیشیدن باعث اتفاق‌های مثبت نمی‌شود! چرا؟ در جواب می‌توان گفت: شما یا برای رسیدن به خواسته‌تان تلاش نمی‌کنید یا به کاری که انجام می‌دهید باور قلبی ندارید. نکته بسیار جالب این که طبق قانون جذب نباید از جمله «خسته نباشید» استفاده کرد این جمله در ظاهر، جمله مثبتی است ولی در اصل دارای فرکانس منفی است به جای آن می‌توان از جمله «خدا قوت» و نظیر آن که دارای فرکانس مثبت است استفاده کرد، طبق این قانون خسته نباشید در حکم خسته باشید است چون دارای فرکانس منفی است.

کتاب راز اثر خانم راندا برن یکی از موفق‌ترین کتاب‌هایی است که درباره راز یا همان قانون جذب نوشته شده است.

برشی از این کتاب: جهان هستی دربرگیرنده است نه محدودکننده. چیزی نیست که مشمول قانون جذب نشود، زندگی شما آینه افکار غالبی است که در ذهن می‌پرورانید معلم‌های با سابقه و موفق بریم و از آن‌ها بپرسیم چه تجربه‌ای را در این سال‌ها به دست آوردید که روزهای اول تدریس، از آن بی‌خبر بودید؟



برای دیدن مستند راز (قانون جذب) کتابدار بار کد را لمس یا اسکن کنید



برای شنیدن نسخه صوتی کتابدار بار کد را لمس یا اسکن کنید



برای ورود به صفحه خرید کتاب قدرت جذب روی بار کد بالا لمس یا اسکن کنید



ایران کجاست؟

مهدی کاظمی



اما گستاخی مقامات آذربایجان، ایران را به این وا داشت که عملیات فاتحان خیبر را در مرزهای آذربایجان شروع کند؛ که هشدار می باشد برای کسانی که خیالات شومی در سر دارند. رزمایش فاتحان خیبر چند نکات اساسی در داخل و خارج از کشور داشت. این رزمایش در داخل، برای تجزیه طلبان به خصوص پانترک ها که با مشاهده عظمت این رزمایش و قدرت نظامی ایران، آب و تابشان کم رنگ تر شد.

در خارج و بیرون از مرزها، هشدار می بود برای آذربایجان و اسرائیل، که سعی بر اخلاص در امنیت ملی داشتند؛ هرچند آنها از رویارویی نظامی با ایران هراس دارند. از نظر بنده این نوع قلدری آذربایجان شبیه شاخ-های مجازی خودمان است؛ که توی فضای مجازی لات هستن!!

مورد سوم، دزدی دریایی آمریکا از ایران که از چند بعد قابل بررسی است.

بعد از شروع به کار دولت مردمی ابراهیم رئیسی، آمریکا که بانی و پرچمدار تحریم علیه ایران بود و هست، مدعی بود که صادرات نفت ایران را به صفر خواهد رساند ولی جریان انقلابی با صادرات مثبت نفت، معادلات آمریکا را بر هم زدند و یحتمل چاره را در آن دیدند که با مختل کردن حتی چند روزه و یا چند ماهه صادرات نفت به دولت نوپا ضربه بزنند ولی با ورود نظامی ایران به این موضوع که کار از پیگیری دیپلماتیک گذشته بود نیروهای سپاه پاسداران انقلاب هم نفتکش و هم نفت را برگرداندند. به نظر می رسد با خروج کم کم نیروهای آمریکا از خاورمیانه، آمریکا دیگر نتواند امنیت اسرائیل را تامین کند و اسرائیل چاره را در آن دیده که پایگاه هایی در مرز های ایران داشته باشد (آذربایجان).

اما از نظر نظامی و نفوذ ایران در منطقه اسرائیل دیگر باید هراس از ایران را به دل داشته باشد؛ زیرا کم کم آن مهلت ۲۵ ساله نزدیک و نزدیک تر می شود و دیگر دست استکبار جهانی از سرزمین های اسلامی کوتاه خواهد شد.

والسلام علیکم ورحمه الله وبرکاته

گر بخواهیم تحرکات نظامی و دیپلماتیک ایران را در این دو سه ماه اخیر بررسی کنیم به ترتیب از طالبان شروع می کنیم که ایران هیچ واکنشی به تسخیر کابل توسط طالبان نداشت و از این طرف واکنش کاربران در فضای مجازی و مردم در فضای حقیقی جالب و شنیدنی بود که با در یک ردیف قرار دادن سوریه، عراق و افغانستان در یک خط از نگاه نژادی و نفعی ایران حرف می زدند ولی جالب ماجرا اینجاست که از این حقیقت غافل بودند که مردم و مسئولان بلند پایه عراق و سوریه از ایران برای مقابله با داعش درخواست کمک کردند؛ به عکس افغانستان که از آمریکا برای مقابله با طالبان درخواست کمک کرد؛ نکته دوم مقبولیت مطرح است؛ دولت های عراق و سوریه در بین مردم مقبولیت داشتند و در صدد نابودی داعش، اما مسئله افغانستانی که دولتش مقبولیت پایین ده درصدی داشت؛ فرق میکند. طالبان برخاسته از کوچه و بازار افغانستان بود که برای هدفی واحد با هم بودند.

نکته سوم، بحث لشکر فاطمیون افغانستان است که چرا به مقابله با طالبان حاضر نشد. در این مورد ایران را هم شامل می شود؛ که با رویارویی این دو بحث شیعه و سنی مطرح می شود که برای تضعیف جهان اسلام از آفت های دیرینه است.

مورد دوم که در این دو سه ماه اخیر حواشی و تحرکات نظامی و گفتگو های دیپلماتیک را در برداشت تحرکات همسایه شمال غربی ایران یعنی آذربایجان است؛ که در چند سال اخیر به دولت دست نشانده اسرائیل تبدیل شده و منشأ اصلی ترورها و جاسوسی های علیه ایران از آنجا نشأت می گیرد

بعد از جنگ ارمنستان و آذربایجان مناطق اشغالی قره باغ که در اشغال ارمنستان بودند آزاد شدند. جمهوری آذربایجان ابتدا دو راننده کامیون ایرانی را به بهانه عدم پرداخت عوارضی بازداشت کرد و بیان داشت که ایران ممنوعیت ورود کامیون ها به قره باغ و بازرسی و... کامیون ها را رعایت نکردند و از اینجا تنش ها شروع شد

از طرفی ایران سعی داشت که این موضوع را با راه دیپلماتیک حل کند





زهرا میرداری نژاد



امام زمان (عجل الله فرجه الشريف) فرمودند:

إِنِّي لِأَمَانٍ لِأَهْلِ الْأَرْضِ كَمَا أَنَّ النَّجْمَ أَمَانٌ لِأَهْلِ
السَّمَاءِ

من، مایه امان اهل زمینم؛ چنانکه ستاره گان، مایه
امان اهل آسمان اند.

#اللَّهُمَّ عَجِّلْ لَوْلِيِّكَ الْفَرَجَ



جواد بهرامیان



کاش به جای حفظ کردن #سند تحول، بیشتر نحوه
عملیاتی کردنش رو با کمک بسیج دانشجویی تمرین
میکردیم...

حالا که وارد مدرسه شدم میدونم که چه شکاف بزرگی
بین وضعیت مدرسه و معلمین و آرمانهایی سند تحولی
وجود داره...



مینامعین



خیلی بده آمریکا باشی، اینهمه ناو و ناوشکن داشته
باشی ولی نفتکشت رو با قایق تندرو بگیرن (((

#سپاه_مقتدر



Aidin



امیرالمؤمنین #امام_علی علیه السلام:

لَا يَكُنْ حُبَّكَ كَلْفًا، وَلَا بُغْضَكَ تَلْفًا؛ أَحِبِّ حَبِيبَكَ هَوْنًا
مَا، وَأَبْغِضْ بَغْضَكَ هَوْنًا مَا

دوستی‌ات، [در حدّ] شیدایی و دشمنی‌ات [مایه]
هلاکت نباشد. دوستت را به اندازه دوست بدار و
دشمنت را به اندازه دشمن بدار.



#رشتو

۲. حالا فهمیدی چرا برژینسکی مغز متفکر سیاست خارجه
آمریکا می‌گوید: از فکر کردن به حمله پیش‌دستانه علیه
تأسیسات هسته‌ای ایران دوری کنید و گفتگوها با تهران را
حفظ کنید. بالاتر از همه بازی طولانی مدتی را انجام دهید؛
چون زمان، آمارهای جمعیتی و تغییر نسل در ایران، به نفع
نظام کنونی نیست



میثم طبعی



۱. دشمن هست یا نیست؟ هستمنتظر فرصت هست یا
نیست؟ هستجمعیت، یکی از مؤلفه‌های قدرت هست یا
نیست؟ هست. در جمعیت سالمند، قدرت دفاع هست
یا نیست؟ نیست. جمعیت سالمند برای دشمن، فرصت
مناسبی هست یا نیست؟ هست سالمندشدن ایران نزدیک
هست یا نیست؟ هست
اگر سالمندشدیم فرصت جبران هست یا نیست؟ نیست



#رشتو

۴. شاید هنوز دشمنی دشمن را باور نکرده‌ایم و شاید هم
بروز دشمنی او را در اندازه یک سیلی و شاید توسری فرض
کرده‌ایم. تردید نباید کرد که اگر فکری برای فرزندآوری و
جوانی جمعیت نکنیم، دشمن بر این جامعه مسلط خواهد
شد حرف من در ۱۳ آبان و مبارزه با استکبار این بود

#فرزندآوری_جوانی_جمعیت



#رشتو

۳. وقتی دشمن دندان تیز کرده برای همه ما (تأکید
می‌کنم همه ما)، تو بگو آیا فرصتی برای بهانه آوردن و
تقصیر را گردن این و آن انداختن و از زیر بار مسئولیت
شانه خالی کردن هست یا نیست؟ نیست.



8	C	1			E			4	7	F	9				
				5		4	E		9		C				
		D	5		C		B	1	F		4	2	E		
		4			1	7	5	C	3	6		D			
	G	B	F		9			D	C	7		E	3		
3	E	6			A	C	4				D				
1		5	C			7	6	F	A	B			8		
	D	9		3		2	G		5				C		
	9	8		7	4		E			C			5		
4	5	C	A		8	B		9		E	F	1	3	D	7
	B				5				4	7	A		8		
						F	D		8	2					6
	A	F		8					B						G
9	8		4	C	D	5					2				
5		2	D	E			B				1		7	A	
	3		E	1	2				7	5	9				8



تضاد سیاه و سفید!

واژه رئال به معنای واقعیت است و به زبان ساده طراح سعی می کند هر چیز را همان طور که هست به نمایش بگذارد. نقاشان مشهوری مثل استاد کمال الملک، ون گوگ و پیکاسو آثار زیادی در این سبک دارند.

هایپر رئال به معنای فراتر از واقعیت است و طراح سعی بر این دارد که اشیا و چهره ها را به طور دقیق و عکس گونه نمایان کند؛ اما کمی از واقعیت فاصله دارد.

در سبک فوتورئالیسم هنرمندان سعی می کنند با نگاه به یک عکس اثری را خلق کنند که بیش از حد به واقعیت نزدیک و اغراق آمیز به نظر می رسد. جالب است بدانید سیاه قلم لفظی است که در ایران رایج می باشد و برای این واژه معادلی در لاتین نیست و از کلمه Drawing استفاده می شود.

این روزها که سخن از هنر و هنرمند می شود یکی از هنرهایی که طرفداران بسیاری را به سمت خود جذب می کند هنر سیاه قلم است؛ اما سیاه قلم چیست؟

این هنر، سبکی از طراحی است که در آن تنها از طیف رنگی سیاه و سفید استفاده می شود و رنگ آمیزی دیگری ندارد. این هنر در واقع از زمان نقاش بزرگ، استاد کمال الملک رواج یافت. کمال الملک شاگردانش را ترغیب به استفاده از زغال به عنوان یک نوع قلم کرد و بدین ترتیب، سبک طراحی سیاه قلم خلق شد.

شاید از زبان طراحان سیاه قلم اصطلاحاتی همچون رئال، هایپر رئال و فوتورئال شنیده باشید. سبک های طراحی سیاه قلم عمدتاً به سه نوع رئالیسم، هایپر رئال و فوتورئال تقسیم بندی می شود.



مبارک

کدو

کدو

